

سرمقاله

مسئله گروگانها و سیاست
حزب جمهوری اسلامی

با تعیین نخست وزیر و گروگانها که نمونه بارزی از قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی در دستگاه دولتی است، رفته رفته مسئله گروگانها یکبار دیگر به عمده ترین مسئله سیاسی روز که سایر مسائل را تحت الشعاع خود قرار میدهد، تبدیل میشود. با توجه به آنکه آیت الله خمینی، تصمیم در مورد گروگانها را از مدتها پیش بر عهده مجلس نهادهاست، سیاست حزب جمهوری اسلامی بی شک نقش قطعی و تعیین کننده ای را در این مورد ایفا می کند، زیرا اکثریت نیرومند...
نمایندگان مجلس، جزو فرآکسیون پارلمانی "حزب" بشمار می آیند. بنا بر این کار روشن است که روش حزب جمهوری اسلامی درباره گروگانها، در حقیقت همان سیاست حکومت جمهوری اسلامی در قبال مسأله گروگانهاست.

مدتها پیش، هنگامیکه تلاش مشترک رهبران حزب و لیبرالها در "شورای انقلاب" برای تحویل دادن گروگانها بدولت با شکست مواجه شد، رهبران حزب تلاش ورزیدند تا از مسئله گروگانها بعنوان وسیله ای برای عقب راندن لیبرالها از ارکانهای دولتی، بیش از پیش استفاده کنند. اما اینکار بعضی جنبه ها، شرایط کاملاً جدیدی پدیدار گشته است. توازن قوا در میان دو فرآکسیون قدرتمند هیئت حاکمه یعنی سران حزب و لیبرالها برهبری بنی صدر بمیزان قابل توجهی به نفع اولی هان تغییر کرده است.

اگر در آن زمان سران حزب میتوانستند مسئولیت ورشکستگی و ناکامی اکثر اقدامات اقتصادی و سیاسی هیئت حاکمه را متوجه لیبرالها سازند، اکنون خود در موقعیت پیشین لیبرالها قرار گرفته اند. بنا بر این آنها اکنون در شرایط ویزهای که بسر میبرند باید آزمایش سختی را از سر بگیرند. چگونه سیاست آنان در مورد گروگانها، که از هم اکنون نشانه هایی از

بقیه در صفحه ۴

رئیس مجلس از چه موضعی به اتحاد و همکاری
دول امپریالیستی علیه کمونیسم اشاره می کند؟

ماهیت اعمال و رفتار و نیز نظرات آقای رفسنجانی که اکنون بعنوان رئیس مجلس یکی از با نفوذترین سران جمهوری اسلامی است بقدر کافی بر بسیاری از نیروهای آگاه جامعه ما شناخته شده است. او بهنگام حیات شورای انقلاب یکی از اعضا بقیه در صفحه ۵

کمونیسم نیاز به اتحاد و همکاری دارند. انگیزه ها و علل این پند و اندرز برادرانه آقای رفسنجانی به امپریالیستها یعنی دشمنان خلق ایران و تمام خلقهای سراسر جهان و نیز دشمنی آشکاری نسبت به کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی از کجانشی میشود؟

آقای رفسنجانی رئیس مجلس در ملاقات اخیر خود با نمایندگان دولتهای امپریالیستی بشیوه ای دیپلماتیک ما بانه و زیرکانه دول امپریالیستی را به اتحاد و همکاری علیه کمونیستها دعوت می کند و می گوید "بختی نیست که بلوک غرب در مقابل خطر

با افشای توطئه غیرقانونی کردن
گروهها و سازمانهای انقلابی توسط
هیئت حاکمه از دستاوردهای قیام
دفاع کنیم.

همه سوره های زحمتکش میهنان بیاد دارند که در سالهای سیاه دیکتاتوری و سیطره اختناق و ترور محمدرضا شاهی، فدائیان خلق به نبرد بی امان علیه رژیم دیکتاتوری شاه و اربابان امپریالیستش برخاستند و فریاد مسلسلهای آنان در گوشه و کنار شهر سکوت اختناق را درهم شکست و خواب از چشم جلادان ساواک بردود و گلوله های آنان، امپریالیسم و

ایادی مزدور شر اهداف گرفت. فدائیان خلق در میدانهای تیر، درزیر وحشیانه ترین شکنجه ها و در درگیریهای خیابانی با ایمانی استوار به خلق و طبقه کارگر حماسه هائسی از مقاومت و قهرمانی آفریدند و تا آخرین دم حیات پیر افتخارشان به آرمانهای والای زحمتکشان و فسادار ماندند.

تودهای زحمتکش و رنج دیده میهنان بقیه در صفحه ۱۰

فاجعه گچساران
ارمغان نظام سرمایه داری
برای توده های زحمتکش

صفحه ۳

زحمتکشان و مسئله ای بنام مسکن

در کشورهای وابسته
"تنگنای مسکن"

نه به معنی کمبود مسکن بلکه

به معنی احتکار و عدم توزیع
عادلانه آن میباشد

صفحه ۶

سخنی با هواداران

نکاتی چند پیرامون کار مخفی و کار علنی

رفقا

شرایطی که ما اکنون در آن بسر می بریم یک دوران انتقال از شرایط باز و نسبتاً مکرانیک روزهای پس از قیام به دوران اختناق و سرکوب، سلب آزادی های دیکرانتیک و استقرار پیش از پیش ضد انقلاب است.

مدتی است که حاکمیت یورش های وسیعی را در جهت محدود کردن و پایمال نمودن حقوق و آزادیهای دیکرانتیک، سرکوب نموده ها، غیرقانونی کردن صریح

یا ضمنی سازمانهای انقلابی و دیکرانتیک آغاز کرده است. شوراها و کارگری و اتحادیه های دهقانی بانحاه مختلف مورد یورش قرار گرفته اند، اخراج و بازداشت نیروهای انقلابی در کارخانه ها، مدارس، ادارات و غیره آغاز شده است، نشریات وابسته به سازمانهای مترقی و انقلابی ممنوع انتشار شده و فروشندگان و توزیع کنندگان آنها شدیداً تحت

ببگرد قرار گرفته اند، نیروهای انقلابی را بی دربی اعدام میکنند، خلاصه تمامی واقعیات هشدار است به نیروهای انقلابی تا با ارزیابی مجدد فعالیتهای خود، منطبق با شرایط متحول و با سازماندهی مناسب، شیوه های سرکوبگرانه هیئت حاکمه را خنثی کنند. لازم است امروز جمله درکی درست از رابطه کار علنی و مخفی است. مسئله ای که متأسفانه هنوز در جنبش ما حل نشده و همچنان یکی از اشکالات اساسی سازمانهای مارکسیست - لنینیست میباشد فقدان درک درست این رابطه است. بقیه در صفحه ۸

در این شماره:

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته

اوج گیری مجدد مبارزات اقتصادی طبقه کارگر

اعدام فرزندان انقلابی خلق کرد

پاسخ به سئوالات

اخبار کارگری

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه د اخلیش

مسأله گروگانها و ...

بقیه از صفحه ۱

آن آشکار شده است، ماهیت تضاد آن با امپریالیسم را برای کارگران و زحمتکشان و توده های میلیونی خلق روشن خواهد کرد. همچنین این سیاست، خط سیر بحرانی را که از دیرباز بر روابط دیپلماتیک میان دولت های ایران و امپریالیسم آمریکا حاکم بوده، تعیین خواهد کرد.

بیش از دو ماهونیم به انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا باقی نمانده است. رقابت بین دو جناح حزب دموکرات و حزب جمهوریخواه آمریکا بیش از پیشتر فشرده تر میشود. متناسب با آن، حزب دموکرات و کارتر، فشار بیشتری را در رابطه با ادامه بازداشت گروگانها، متحمل می شوند. تاکنون از نظر افکار عمومی آمریکا، مسئله گروگانها نقطه ضعفی در سیاست خارجی کارتر نبوده است. رنالد ریگان نماینده حزب جمهوریخواه نیز بیشترین تبلیغات را علیه کارتر و حزب دموکرات بر روی مسئله گروگانها متمرکز نموده است.

با استناد به همین مطبوعات که منعکس کننده سخنان و مواضع مقامات رسمی امپریالیسم آمریکاست و نیز اقداماتی که امپریالیسم آمریکا در رابطه با آزادی گروگانها انجام میدهد میتوان تصویری نسبتاً واقعی، از سیاست آن در این مورد بدست آورد. این روزها اظهار نظرها مقامات رسمی آمریکا حاکی از آنستکه "ارتباط غیر مستقیم" یا برخی از مقامات رسمی دولت ایران "امیدواریهای جدیدی برای "حل مسأله امت میز" مسئله گروگانها در آنها بوجود آورده است! اما مسئله مهم برای کارتر و حزب دموکرات صرفاً تکیه بر "حل مسأله امت میز" مسئله گروگانها نیست. برای آنها چند عامل حائز اهمیت در جهان دارند، این عوامل عبارتند از:

- ۱- عامل زمان. از نظر حزب دموکرات آزادی هر چه سریعتر گروگانها که تا شیر قطعی بر روند مبارزات انتخاباتی شان برجای می گذارد، از اهمیت خاصی برخوردار است.
- ۲- امپریالیسم خواهان آنستکه بهای هر چه کمتری در ازای آزادی گروگانها بپردازد، به همین دلیل تا حد ممکن از موضع قدرت نسبت بدان برخوردار می کند.
- ۳- امپریالیسم نهایت کوشش خود را برای

جلوگیری از محاکمه گروگانها بعمل میآورد. محاکمه گروگانها برای کارتر و حزب دموکرات رسوائی بزرگی است. با توجه به عوامل فوق پس از گشایش مجلس، دو نامه از اعضای کنفرانس آمریکا برای نمایندگان مجلس و سپس نامه جمعی از سفرای دول امپریالیستی اروپایی و نیز ملاقات بعدی سفر او نمایندگان گویای سیاسی "دول امپریالیستی عضو بازار مشترک اروپا" بارفستجانسی رئیس مجلس و یکی از رهبران حزب - گوشه های از تشدید فعالیت و بخشی از مجموعه تلاشهای امپریالیسم آمریکا و متحدانش برای آزادی گروگانها بود. در مقابل، سخنان رفسنجانی و مواضع بهستی در هفته گذشته بیانگر این مطلب بود که سیاست حزب جمهوری اسلامی، علیرغم تصمیمات قبلی عبارتست از عقب انداختن بررسی مسئله گروگانها در مجلس. همانطور که اشاره شد، اینک حزب جمهوری در شرایط ویژه ای قرار گرفته است.

باتعیین رجائی بعنوان نخست وزیر، "حزب" گرایش بیشتری به آزاد کردن گروگانها از خود نشان میدهد. این گرایش در آینده، با نزدیک شدن زمان بررسی مسئله گروگانها در مجلس شدیدتر خواهد شد. زیرا سران حزب به هدف خود، در پیشبرد تاکتیک ادامه بازداشت گروگانهای آمریکائی بسیار نزدیک شده اند. با اتخاذ چنین تاکتیک، قدرت سیاسی لیبرالها در ارکانهای دولتی بمیزان زیادی کاهش یافته است. از سوی دیگر برای حفظ و مداوم بخشیدن باین قدرت "مکنی" و مهاژدن بموج اعتراضی توده ها و نیز بی اعتبار کردن ادعاهای بنی صدر در مورد بی کفایتی و "خشک سری" رجائی دستکم باید بحران اقتصادی جامعه تا آنجائی که بمسئله گروگانها مربوط می شود، تخفیف یابد. مخدود کردن دامنه بحران اقتصادی از دیدگاه مهاژدگان غالب بر حزب جمهوری اسلامی جز از طریق اتکا به امپریالیستها امکان ناپذیر است. رفع "محدوم اقتصادی" بدون آزادی گروگانها میسر نیست. سیاست حزب نشان خواهد داد که آنها در نفی باصطلاح "دوایر قدرت" و قبول سلطه امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی با سیاست رئیس جمهور بنی صدر و جناح او در وحدت نسبی بسمی برند. سران حزب از این نظر در محدودده معینی با جناح بنی صدر دارای اختلاف نظر هستند که عبارت است از رقابت، جهت بدست گرفتن

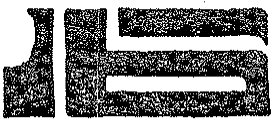
ابتکار عمل برای پیشبرد چنین سیاستی. در حقیقت سران حزب کوشش می کنند تا خود بجای لیبرالها "تنظیم کننده" رابطه حکومت جمهوری اسلامی با کشورهای امپریالیستی باشند! اکنون تاکتیک عقب انداختن بررسی مسئله گروگانها در مجلس، از جانب سران حزب، بنا به علل اساسی زیر صورت می گیرد:

الف: فشار توده های - اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی توده ها، تکامل سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی توده ها که کار آزادی گروگانها را دشوار نموده است. فشار توده ها و نیز حتی فشار رده های پائینی حزب، "رهبران" رادچار مشکلاتی نموده است. آنها بخوبی درک می کنند که آزاد کردن گروگانها بمراتب دشوارتر و "مسئله ساز" تر از تاکتیک ادامه بازداشت گروگانها است! چانه زدن بر سر معامله گروگانها بدون توجه باین امر ممکن نیست. زمانیکه آنها مسئله بر سر "تحويل دادن" گروگانها بدولت بود، موجی از اعتراض توده های بحرکت افتاد. بطریق اولی، در شرایط کنونی، آزاد کردن گروگانها تحت هر پوشش و بهانه، بدون تشدید بحران سیاسی و تغییر ناگهانی فضای سیاسی که بزبان موقعیت حزب منجر می شود، نمی تواند صورت گیرد. برای سران حزب این تناقضی است که باید قبلاً بحد کافی در مورد آن بیاندیشند!

ب: نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا: بنابر توضیحی که قبلاً داده شد، مسئله گروگانها به یک امر مهم در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تبدیل شده است. از یکسو سیاست کارتر در آزادی هر چه سریعتر گروگانهاست و از سوی دیگر حزب جمهوری با ملاحظه مسئله فوق، میخواهد با به تعویق انداختن بررسی "مسئله گروگانها" در مجلس وارد آوردن بیشترین فشار بر آمریکا، "آبرومندانه". و از موضع قدرت امتیازات بیشتری را کسب کرده و آزادی گروگانها را موجه جلوه گر سازد. - اختلافات درونی حزب جمهوری اسلامی: در این مورد، ما تنها با آخرین فاکت مشخص اشاره می کنیم. این فاکت عبارتست از اختلاف بر سر نخست وزیری رجائی که اخیراً از جانب بهستی، کاملاً آشکار شد. بهستی در مواضعی با خبرنگاری خارجی نظر جلال الدین فارسی رامینی بر اینک که رجائی دارای تمام شرط های صلاحیت برای نخست وزیری نیست، خلاف نظر رسمی حزب دانست. ... اتخاذ سیاست واحد و مشخص برای حزب جمهوری که از نقش تعیین کننده ای در قبال مسأله گروگانها برخوردار است، دارای اهمیت بسزایی است. اختلاف بر سر مسئله گروگانها اگر در فراکسیون حزب در مجلس منعکس گردد نه تنها اختلافات درونی حزب را عمیقتر خواهد کرد بلکه موجودیت سیاسی حزب لطفاً شدیدتری وارد خواهد کرد. بنا بر این تاکتیک به تعویق انداختن "بررسی مسئله گروگانها" کوششی است که سران حزب بمنظور دست یافتن به یک سیاست مشخص انجام می دهند. با اعتقاد ما بدون توجه بعوامل فوق نمیتوان به تجزیه و تحلیل مسئله با اهمیتی نظیر گروگانها پرداخت.

ب	ج	ز	ع	ل	ن	رقای اهواز	جمعیت از دانش آموزان دبیرستان رهنمای سعادت رشت ۱۱۰۰۰
۱۲۰۸	۱۵۴۰	۴۱۷۱	۲۰۲۲۴۲	۵۰۵۰	۹۴۵	ب ت س ۳۱۴۰	
۱۰۰۰۱	۱۰۰۵۵۵	۹۹۹۹	۴۸۲۱۰	۸۵۸۵	۳۱۰۰	ف ۵۲۰۰	
۱۲۹۱۰	۱۲۲۹	۱۰۱۰۰	۹۵۹۵	۱۰۷۳۳	۵۳۲۱	ق ۶۲۱	
۲۸۳۵	۱۵۲۹	۲۲۸۸	۱۰۸۸۰	۱۲۶۵۰	۵۰۷۷	رققای مسجد سلیمان ۴۰۰۰ ریال	
۵۱۲۳	۱۹۹۹	۷۵۷۰	۱۷۷۵	۱۱۷۲	۶۵۶۵	ب ۲۵۱۱۱	
۲۰۰۳	۱۴۴۴	۱۱۰۰	۵۲۲۲	۱۴۴۹	۲۳۰۷	ج ۲۱۱۱	
۵۱۲۳	۱۰۵۰	۳۰۲۰	۱۲۷۵	۵۳۸۱	۱۰۲۲	د ۳۰۱۰	
۶۰۶۰	۵۵۵۵	۱۸۲۵	۱۲۲۲	۱۳۸۱	۲۵۵۵	ز ۲۹۱۷	
۱۱۱۱	۲۸۲۱	۷۵۷۵	۱۲۰۰	۷۴۹	۳۵۲۳	ع ۲۱۰۲	
۱۰۲۲۲	۳۴۲۰	۵۱۳۵	۹۹۹۹	۵۹۱۲	۲۲۱۸۳	م ۱۸۳۳	
۴۶۱	۱۰۹۹۹	۵۱۰	۹۵۲۵	۶۳۰	۵۲۵	ه ۲۲۲۲	
۱۰۳۳۳	۶۵۶۵	۹۴۵	۸۵۸۵	۳۰۰۰	۱۲۰۰	رققای خاور شهر ۱۴۰۰	
						رققای دهکده دار ۱۲۰۰	
						رفیق "س" امانت شمارسید.	

استقلال - کار - مسکن - آزادی



نورسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۷)

اوج گیری مجدد مبارزات اقتصادی طبقه کارگر

مستقل از سلطه جریان های خرد بورژوازی و بورژوازی همچنان تکامل و بالندگی جنبش طبقه کارگر را نشان میدهد.

قبلا گفته بودیم که تحول و دگرگونی شکل های کارگران از سندیکا های زرد به متشکل های انقلابی و سرخ از چند ماه قبل از قیام آغاز شده بود و بخصوص شور مبارزاتی و شعور حاصل از قیام، کارگران را متشکل کرده بود.

بایستی اضافه کنیم که علاوه بر این و از همان ماه های اول بعد از قیام پیروستکامل و تعالی تشکلهای نیز آغاز گردید. بدین ترتیب که مثلا پس از شکل گیری شورا در یک قسمت، شورای مرکزی آن واحد بوجود آمده و در جریان مبارزه محکم ضرورت و نیز با نقشی که عناصر پیشرو و فعال بازی میکردند، شورا های یک رشته صنعتی در بخش های مختلف منطقه (و یا شورا های مختلف یک منطقه) و یا مناطق مختلف کشور بهم وصل میشدند و تشکلی سرتاسری بوجود میآوردند.

شورای کارخانجات کبریت سازی تبریز، توکلی و ممتاز، شورای مرکزی پالایشگاه، شورای برق و غیره در زمره چنین تشکلهای بودند.

بعلاوه اگر این تشکلهای در اواسط تابستان و قبل از تهاجم بگردستان اینچا و آتجا دیده میشد و با تهاجم زمینهای گسترش آنها از بین رفت، بعد از تسخیر سفارت و در ماه های آخر سال ۵۸ این تشکلهای گسترده ابعاد چشمگیری یافت و در بسیاری از مراکز و قطبهای صنعتی چنین اتحاد و همبستگی بوجود آمد.

"اتحاد شوراهای کارخانجات رشت (شامل ۳۷ کارخانه) حول محور دریافت سود ویژه و عیدی در اسفند ماه از جمله بهترین نمونه های همگامی و همبستگی طبقه کارگر در واحدهای تولیدی یک منطقه بود ما سنت پیش از بیست هزار کارگر این واحدهای تولیدی با هماهنگی کردن حرکات اعتراضی و اعتصابی خود (اعتصاب، میتینگ، تظاهرات، تحصن و غیره) جهت تحقق خواسته های خود و در روی دولت ایستادن و حتی بنی صدر را بمنطقه کشانیدند و بدست آورد های قابل توجهی نیز رسیدند (دریافت حداقل ده هزار تومان سود ویژه)..." اتحاد شوراهای "کارخانجات تبریز"، "کانون شوراهای منطقه ای اراک شورای متحده" غرب تهران و "کانون شوراهای شرق تهران" از جمله نمونه های قابل ذکر است که بیان کننده ارتقاء سطح تشکلی و وحدت عمل، ارتقاء سطح آگاهی کارگران و درک طبقاتی آنهاست.

انداخت بلکه به پرداخت مساوی سود ویژه تعیین حد اکثر آن اقدام نمود (کارخانه پارس الکتریک و ...). در آن واحدهایی که کارگران تشکلی نیرومندی نداشتند اما سابق مبارزاتی و سطح آگاهی نسبتا بالایی داشتند با صدور اعلامیه و تهدید با اعتصاب و حتی اقدام به اعتصاب، راهپیمایی و مراجعه به مدیریت و وزارت کار دولت را زیر فشار قرار دادند.

وبالاخره در کارخانجاتی که شوراهای فرمایشی کاملاً مسلط بودند اعتراضاتی بصورت طومار نویسی و نامه به وزارت کار و شورای انقلاب صورت گرفت.

نتیجه این اعتراضات آن شد که وزارت کار و شورای انقلاب ابتدا ناگزیر شد ندر پرداخت سود ویژه را مجدداً بپذیرند و اجرای آن را طبق ماده واحد هی از نوسو برقرار کنند.

اما تعیین میزان حق السهم کارگران بر پایه میزان پرداختی در سال ۱۳۵۶ (در بهمن ماه ۵۸) چندان از نارضایتی اکثریت کارگران نکاست و موج اعتراضی و مبارزاتی کارگران برای دریافت سود ویژه در سرتاسر ماه های بهمن و اسفند ادامه یافت. بعلاوه سر رسیدن موعد پرداخت عیدی و یادش که ما سفند بود، موجب اوچگیری باز هم بیشتر مبارزه عمدتاً اقتصادی کارگران شد بطوریکه بجزایرت می توان گفت که در همه واحدهای تولیدی بحث و اعتراض برای گرفتن حقوق فوق جریان داشت این اعتراضات در پارهای موارد شکل فحش میز بخود میگرفت و تقریباً غالب آنها به پیروزی کارگران (اگر چه بطور موقت) میانجامید توضیح آنکه سرمایه داران و کارفرمایان سود ویژه را تحت عناوینی چون پاداش، اضافه کار، تقسیم بخشی از سودی که کارفرما در سال های قبل ذخیره کرده بود، وام بدون بهره و غیره به کارگران پرداخت می کردند.

فشار مبارزاتی کارگران در رابطه با دریافت سود ویژه بالاخره به انجام آنجا انجامید که وزارت کار با صدور اعلامیه ای در آخرین هفته های سال، جای هرگونه گریز از اجرای ماده واحد (نحوه پرداخت سود ویژه) را باز گذاشت و اعلام کرد در واحدهایی که میزان سود بالا بوده است کارفرمایان و سرمایه داران مجازند که مستقلاً با کارگران به توافق برسند.

بایستی متذکر شد که اگر چه شکل مبارزاتی کارگران در آخرین ماه های سال گذشته افت کرد (از سیاسی به اقتصادی) اما گستردگی و پیوستگی جنبش و بروز نشانه های چشمگیری از هماهنگی و همبستگی طبقه کارگر

گفتیم که در طی ماه های آبان و آذر به علت مجموعه عوامل عینی و ذهنی حاکم بر جامعه جنبش توده های ابعاد گسترده ای یافت. حزب جمهوری اسلامی که ابتدا تصور چنین اقبالی را از جانب توده ها (پس از تسخیر سفارت) نداشت، (نقل بمقتی از خطابه های مکرر سران حزب) با درک موقعیت بسرعت رنگ عوض کرد و در پوشش مبارزه علیه آمریکا با تمام تلاش خود در با تحریف کشا نیدن مبارزه توده ها کوشید. تسلط ذهنیت خرد بورژوازی بر کلیه قشر و طبقات خلق و حمایت بیدریغ، نامحدود و نامشروط اپورتوننیسم حاکم بر سازمان (که دیگر مواضع فرصت طلبانه اش را تدوین کرد و مواظبت را هم داده بود) آنچنان زمینه مناسبی برای حزب جمهوری اسلامی فراهم نمود که حزب توانست هر صدای اعتراضی کارگران را با برچسب "ضد انقلاب" و "عامل بیگانه" بپوشاند و سرکوب کند و عدم تحمل طبقاتی خود را از کوچکی ترین اعتراضات توده ها پنهان نماید و یکسره موج خشمگینانه توده های تحریر شده را متاگاه و به هیچان آمده علیه مبارزات صنعتی - اقتصادی کارگران همه جا به حرکت درآورد. انجمن های اسلامی این زواید حزب جمهوری با بسیج و تحریک توده ها در پوشش حمایت از مبارزه ضد امپریالیستی جاری (و مبارزه با تحریم اقتصادی، به چماق سرکوب سرمایه داران و کارفرمایان تبدیل شدند.

اما فشار اقتصادی بپیرحم تر از آن بود که توده دامن زده شده توسط حزب جمهوری بتواند عمری طولانی داشته باشد. هنوز دوسه ماهی از اوج سلطه این توهام نگذشته بود که توده های کارگرناراضی و بیگنا مسداز فشار مشکلات اقتصادی (کمبود مایحتاج عمومی، گرانی، بیکاری و غیره) اعتراضات وسیع خود را از سر گرفتند. شورای انقلاب که در طی این ماهها بر توهام توده ها سوار بود کوشید با تصویب آئین نامه ها و قوانین متعددی تا میتواند رسالت ضد کارگری خود را بنحوا حسن با انجام رساند. از جمله مصوبات شورای انقلاب در این دوره لغو پرداخت سود ویژه کارگران بود. ابلاغ این قانون به وزارت کار جهت اجرای واحدهای تولیدی، موج اعتراض کارگران را برانگیخت. کارگران واحدهای تولیدی مختلف بسته به میزان آگاهی، سطح تشکلی و سطح پیوند پیشروان طبقه با جنبش کارگران و اکنش های اعتراضی متفاوتی از خود نشان دادند. در آن واحد هایی که شورای کارگران بمثابه نماینده کارگران کنترول کارخانه را در دست داشت، نه تنها قانون رابه دور

فاجعه گچساران ارمان نظام سرمایه داری برای توده های زحمتکش

خبر انفجار یک فابریاروت در روستای ده بزرگ باشت از توابع گچساران، که منجر به کشته شدن حدود دو بیست نفر و مجروح شدن تعداد زیادی از توده های زحمتکش میهن ما شد، موجی از تأثر در سراسر ایران برانگیخت.

گشته و مجروح شدن تعداد زیادی از هم میهنان ما یکی دیگر از عملکردها و نتایج نظام سرمایه داری برای توده های زحمتکش میهن ماست. زیرا زندگی توده های مردم برای سرمایه دارانی که تنها در پی منافع و سود خویش هستند، ارزشی ندارد.

آیا سرمایه داران شرکت راهسازی، هیچگاه در این فکر بود اند که ممکن است انفجار مواد منفجره زندگی انبوهی از توده ها را بخطر اندازد؟ آیا آنها هیچگاه در فکر تدارک و وسائل و

امکانات استحقاقی و ایمنی بوده اند؟ و آیا دولت تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه انجام داده است؟ پاسخ منفی است.

نه تنها در این مورد بلکه در هزاران مورد دیگر نیز در اثر عدم رعایت و تدارک امکانات ایمنی برای کارگران و زحمتکشان، زندگی آنها، هر روز در معرض خطر جدی است فاجعه گچساران تنها یک نمونه است که بخاطر ابطا گسترده آن همه هم میهنان ما از چگونگی آن آگاه شدند.

اعلام عزای عمومی و تسلیت هیچ دردی از کارگران و توده های زحمتکش مدا و نمی کند. باید با تأمین و تدارک وسائل و امکانات استحقاقی و ایمنی برای کارگران و زحمتکشان جلو فاجعه ای نظیر فاجعه گچساران را گرفت.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات
ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

اخبار کارگری

کارگران رادیو شهاب با همبستگی،
اراده خود را بر کارفرمایان تحمیل کردند

عمل کارفرمایان، از تحویل دادن کابینت‌های ساخته شده به قسمت مونتاژ خودداری کردند کارفرمایان که با این اقدام کارگران مواجه شدند کوشیدند تا با توطئه چینی و نفاق افکنی کارگران مونتاژ را اوار سازند از کارگران نجاری کابینت تحویل بگیرند اما از آنجا که کارگران به ضرورت اتحاد دوگانگی در برابر کارفرمایان برده بودند، همکاری با آنها نداشتند و همپای همکاران خود در بخش نجاری به مبارزه علیه دسیسه‌ها و فریبکاری‌های کارفرما ادامه دادند و سرانجام شورای کارگران نجاری را دیوشها بمباشتیبانی و حمایت کارگران بخش مونتاژ توانستند بسازند و کارفرمایان خود را از تعطیل شدن کارخانه و بیکاری خودشوند.

کارگران کارخانجات رادیو شهاب با سلاح اتحاد و یکپارچگی و مقاومت، توانستند توطئه‌های کارفرمایان را نقش بر آب سازند. از مدت‌ها پیش کارفرمایان رادیو شهاب (خرم آبادی، رام، رازی...) که از اتحاد کارگران بوخستا فتاده بودند با دسیسه چینی، کارخانه را به دو بخش نجاری و مونتاژ تقسیم و محل این دو بخش را از هم جدا کردند. در پی این تقسیم تحمیلی، کارگران بخش نجاری با پیگیری و تلاش شورای واقعی خود را تشکیل دادند. کارگران نجاری کم‌کم متوجه کمبود و تمام مواد اولیه در کارگاه شدند و برای اینکه کارخانه تعطیل نشود، از طریق شورا از کارفرما خواستند مواد اولیه مورد نیاز را تامین کنند. اما کارفرمایان نیز در از این

گزارشی از مجمع عمومی کارخانه فیلکو

کارگران با اتحاد خود توانستند پنجشنبه‌ها کارخانه را تعطیل کنند

یکپارچه کارگران ناتوان میدیدگفت: "هر قسمت در مورد تعطیلی پنجشنبه نامه کتبی بنویسد که بعد ما با زخواستن شویم" یکی از کارگران گفت هیچ با زخواستنی در کار نیست چون در قانون چهار ساعت کار در هفته، ذکر شده که ساعات کاری توافق شورا کارگران تعیین میشود در تانی جرایم خواهد بود امروز فردا کنید، همین حال که همه هستند رای بگیرید. هر کس موافقت دستش را بالا برد. دستهای همه کارگران بالا رفت. عضو شورا میخواست باز بهانه بیاورد اما دستهای کارگران همچنان بالا بود، آنها در همین حین شورا اعتراض میکردند و از سود ویژه حرف میزدند نماینده شورا در برابر اتحاد دو ایستادگی کارگران ناچار شدند تعطیل پنجشنبه را بپذیرند.

شورای اسلامی کارخانه فیلکو در نیمه مرداد ماه برخلاف خواست کارگران که تعطیلی پنجشنبه‌ها و پرداخت سود ویژه بود، اعلام کرد در هر روز ۴۵ دقیقه از ساعات کار کم میشود اما پنجشنبه‌ها تعطیل نخواهد بود و بجای سود ویژه نیز علی الحساب به هر کارگر یکماه حقوق داده میشود. کارگران که شورا را در خلاف جهت منافذ خود میدیدند خواستار تشکیل مجمع عمومی شدند و شورا تحت فشار آنها مجبور به تشکیل مجمع عمومی شد. در این مجمع کارگران خواست خود مبنی بر تعطیلی پنجشنبه‌ها و پرداخت سود ویژه را مطرح کردند یکی از اعضای شوراسخانی درباره اینکه "ما برای شکم انقلاب نکرده ایم بلکه برای تهذیب فکر انقلاب کرده ایم" عنوان کرد و چون هیچکس او را تهدید نکرد کنایه رفت. عضو دیگری از شورا بحث تربیون قرار گرفت و در مورد تعطیلی پنجشنبه‌ها گفت چون قسمت قوم و پرس نمیتوانند احتیاجات کارخانه را تامین کنند تولید بانیان ما بدو بهمان میزان هم از درآمد کارگران کم میشود. کارگران این دو قسمت گفتند این حرف بی اساس است و آنها هم احتیاجات کارخانه را تامین میکنند. عضو شورا که خود را در مقابل اعتراض

دریافت هزینه سرکوب زحمتکشان از خود زحمتکشان!

در ادامه برچیدن دکه‌ها و بناسط حاشیه خیابان‌ها و سرکوبی دکه داران زحمتکش توسط دولت، اخیراً شهرداری رشت نیز از اطلاعیه‌ای صادر کرد موبه دکه داران زحمتکشان این شهر هشدار و اخطار داده است که هر چه زودتر دکه‌ها و بناسط‌های خود را جمع کنند، در این اطلاعیه آنچه گفته پس از تهدیدهای شهرداری، جالب توجه می‌نماید این است که شهرداری به دکه داران اخطار کرده: "بدیهی است چنانچه شهرداری خود را اقدام به برداشت دکه‌های مزبور نکند، صاحب دکه، به جرم تجاوز به

اوایل عمومی (!) و ایجاد سد عبیره دادگاه انقلاب معرفی خواهد شد و هزینه‌های ناشی از برداشت دکه‌ها نیز دریافت خواهد شد. این است روش شهرداری جمهوری اسلامی، هم دکه‌ها و بناسط‌هایی را که مزبور آمد و وسیله معاش زحمتکشان است برمی چیند و هم هزینه این کار را از زحمتکشان از کار می‌کند. در یک کلام شهرداری جمهوری اسلامی میخواهد هزینه سرکوب زحمتکشان را از خود زحمتکشان بگیرد.



سود ویژه، که قسمتی از دستمزد کارگران است، باید پرداخت گردد

رئیس مجلس از چه موضعی به اتحاد...

بقیه از صفحه ۱

فعال این شورا، در جهت سامان دادن به نظام سرمایه داری، تصویب قوانین ضد کارگری بود توده ای بنفع سرمایه داران نظیر مصوبات ضد شورای انقلاب و شرکت فعالانه در بازسازی پوزیم ارگانها و نهاد های ضد خلقی رژیم گذشته بوده است. وی نه تنها به عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب بلکه بعنوان یکی از همبران حزب جمهوری اسلامی در جهت سرکوب نمودن توده های مردم و یا بطل نمودن حقوق و آزادیهای دمکراتیک توده ها، یورش و حمله به سازمانهای انقلابی نقشی فعال داشته است. او اکنون در مقام ریاست مجلس همان عملکرد هراسی خود را ادامه می دهد و نه تنها در جهت خدمت به سرمایه داران و در جهت خلاف منافع توده ها تصویب قوانین می پردازد بلکه پیش از پیش در جهت نزدیکی به امپریالیسم گام بر می دارد.

رفسنجانی که خود یکی از سرمایه داران (مالک باغهای پسته در رفسنجان، سهامدار شرکت های متعدد است و از موضع بورژوازی متوسط حرکت می کند، از منافع سرمایه داران، دفاع می نماید و منافع طبقاتی اش را با منافع بورژوازی و اتحاد عمیل با امپریالیستها و دشمنی آشکار با کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی که همه جا در سخنرانی ها و موضع گیری های وی، چشم می خورد، و امیدارد، منافع او بعنوان نماینده بورژوازی متوسط در حفظ سیستم سرمایه داری، اتحاد با امپریالیستها و دشمنی آشکار نسبت به طبقه کارگر و کمونیستها نهفته است. وقتی که رفسنجانی به اتحاد عمیل دول امپریالیستی علیه کمونیستها اشاره می کند، به تراز هرگز اشاره است که آنها در دشمنی با کمونیستها استاد تراز خود وی هستند اما او میخواهد به زبان علیبرم تمام خرده اختلافات، موضع مشترکی در مقابل حفظ سیستم سرمایه داری و مقابله با کمونیستها دارا هستیم و شما باید این مسئله را خوبی درک کنید، هنگامیکه او مرا حجت از نزدیکی جمهوری اسلامی به دول

امپریالیستی اروپا و از این سخن می گوید و آنها را نیز همانند جامعه ما تحت سلطه امپریالیسم آمریکا می داند، در حقیقت از منافع طبقاتی جناحی از بورژوازی وابسته ایران که پیوند هر چه بیشتری با سرمایه های مالی و انحصارات اروپایی و ژاپنی دارند، دفاع می کند.

سران و دست اندرکاران حزب جمهوری اسلامی در حالی که توده های مردم زیر فشار فقر و فاقه ناشی از سلطه طولانی امپریالیسم و نظام طبقاتی فرا دارند و پیش از پیش با این ستم دوگانرا بردوش خود احساس می کنند، توده ها را میفریبند و در جهت نزدیکی به امپریالیسم گام بر میدارند. امروز در حالی که توده های تحت ستم مین ما رو در روی امپریالیسم به نبرد کردگی امپریالیسم آمریکا و با یک گانه داخلی آن یعنی سرمایه داران قرار گرفته اند، هیئت حاکمه نه تنها توده های مردم را از مبارزه واقعی و بنیادی علیه سلطه امپریالیسم باز داشته است و می گوشت توده ها را متقاعد سازد که امپریالیسم در آمریکا خلاصه میشود و آنها هم فعلا در جنبش از مین تا کوناه شده است! بلکه تلاش می کند که یک چنین تصور کاذبی را در ذهن توده ها پدید آورد که امپریالیستهای اروپا و ژاپن دوست خلقی ایرانند، این نه تنها موضع بنی صدور و مطالبیم بلکه موضع رفسنجانی و دیگر شرکای اوست. اما توده های مین ما و در زان آنها طبقه کارگر اکنون آگاهند که تمامی غلاکت و بدبختی، فقر و خانه خرابی آنها محصول سلطه امپریالیسم و سیستم سرمایه داری است و این است و امپریالیسم تنها در امپریالیسم آمریکا خلاصه نمیشود و مبارزه با آنها هم جدا از مبارزه علیه سرمایه داران نیست. اعتماد جامعه ماکه ترسناک و شالوده هرگونه وابستگی دیگر از جمله وابستگی سیاسی، فرهنگی و نظامی است و وابسته به سیستم جهانی سرمایه داری است. کارگران و دیگر توده های زحمتکش مین ما بخوبی آگاهند که انحصارات ژاپنی، فرانسوی، انگلیسی و... کمترین از انحصارات آمریکا خطرناک نیستند و آنها نیز همانند

امپریالیستهای آمریکایی سیاستی غارتگرانه و اهرزانه در کشورهای تحت سلطه و وابسته از جمله مین ما تعقیب می کنند و در جهت به بند کشیدن خلقهای کشورهای تحت سلطه و وابسته می کوشند. خلقهای مین ما بخوبی آگاهند که همه امپریالیستها دشمنان خلقهای جهانند و مبارزه علیه امپریالیسم و سلطه آن، از مبارزه علیه سرمایه داران وابسته (خواه بزرگ و یا متوسط) و بطور کلی سیستم سرمایه داری وابسته جدا نیست. اما هیئت حاکمه که از منافع سرمایه داران دفاع می کند، می گوشت مبارزه ضد امپریالیستی توده ها را منحرف کند، و آنرا با گانه های انحرافی بکشد. پس چه جای تعجب است هنگامیکه می بینیم در حالیکه سران حزب جمهوری اسلامی نظیر رفسنجانی ها و بهشتی ها هنگام بالیبرالها به بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته می پردازند از خطر کمونیسم و مقابله با آن دم می زنند زیرا پیش از مبارزه با بقایای رژیم گذشته، نیروهای انقلابی و کمونیستهارا تحت شدیدترین فشارها و بیگانه ها قرار میدهند، آنها را از کارخانه ها و ادارات اخراج می کنند و بنظیر مقابله با نفوذ نیروهای انقلابی مراکز آموزشی نظیر دانشگاهها را تعطیل می کنند، آگاهترین و مبارزترین دبیران و علمین دبیرستانها و دبستانها را اخراج می کنند و هزاران توطئه علیه کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی تدارک می بینند رئیس مجلس با حرکت از چنین موضعی است که در ملاقات خود با نمایندگان دول امپریالیستی مطرح می کند. مین ما نقطه مقابل را پیشینهاد می کنیم و از شما می خواهیم آزادتر فکر کنید و بختی نیست که بلوک غرب در مقابل خطر کمونیسم نیاز به اتحاد و همکاری دارد. همانین حقایق که هر روز انبوهی دیگر به آنها افزوده میشود، ماهیت هیئت حاکمه حزب جمهوری اسلامی را پیش از پیش افشای کند و دشمنی آشکار آنها را نسبت به نیروهای انقلابی بر ملا می سازد.

مزارع بونج روستاهای اطراف سیاهکل

از بی آبی سوخت

● یک پاسدار به دهقانان این منطقه گفت، چون شما اهل سیاهکل هستید بروید از خلقی ها کمک بگیرید

بمب آب شدند. اما از آنجا فی که دولت ما هیتا نمی تواند و نمی خواهد، مشکلات دهقانان را حل کند، آنها را سر بردارد و نداند و طبق معمول از این ادا ره به آن سازمان پاس دادند.

دهقانان که از ملاقاتها و مذاکراتشان بیگانه مسئولان دبیرست دولتی تشیخه ای نگرفتند، شورا بی تشکیل دادند و مجدداً است به اقدام زدند. اعضای شورا پس از مراجعه به سازمان آب و بختداری به سیاهکل پاسداران مراجعه کردند، در آنجا یکی از پاسداران به اعضای شورا دهقانان گفت: "من در جیم آب ندارم که به شما ها بدهم و بملاوه شما اهل سیاهکل هستید، بروید از خلقی ها آب بگیرید." این پاسنج پاسداران به دهقانان ضرر و ورزیدند و بنا بر کینه ای آنها به نیروهای انقلابی سازمان ما است زیرا آنها به خوبی میدانند که نیروهای انقلابی سازمان ما، در عمل نشان داده اند که با رویا و واقعیتی زحمتکشان هستند.

شورای دهقانان برغم تمام سنگ اندازیها و مشکل تراشی های ما موران دولتی به مبارزه خود برای گرفتن آب و تامین به بخشداری وجهبشاد بگرنیازهای روستایان داده می دهند.

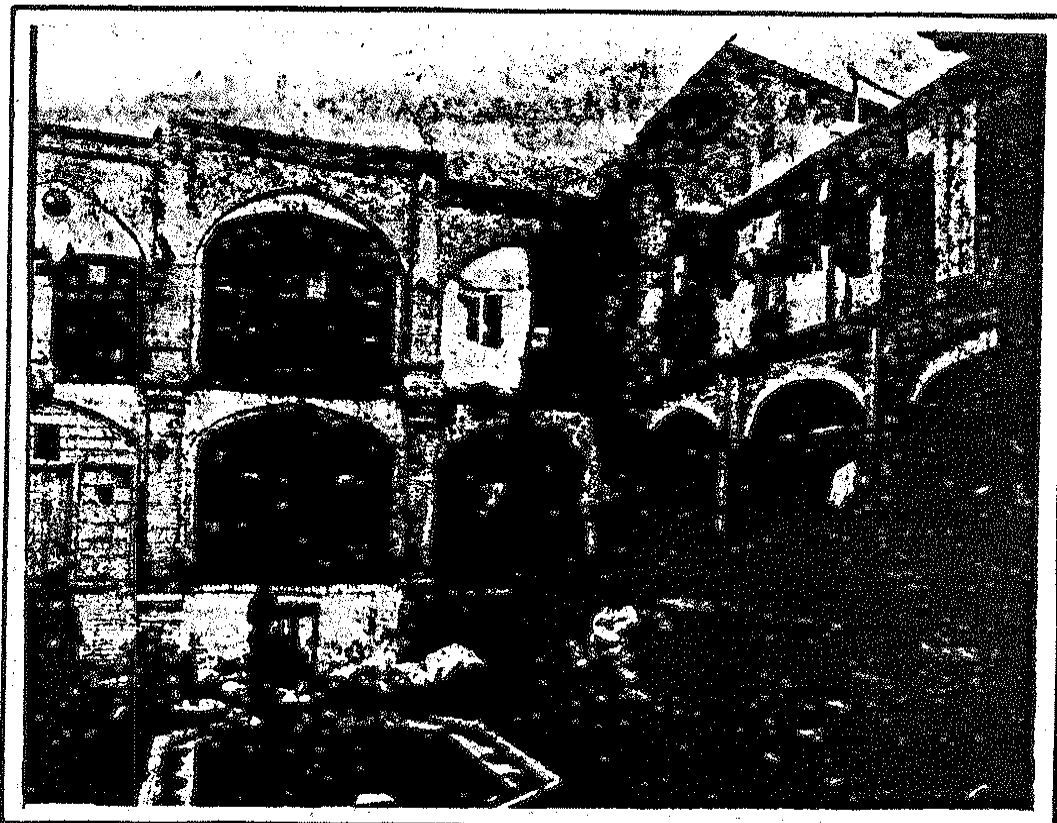
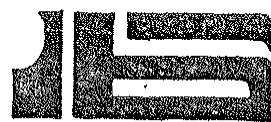
امسال به علت کم آبی مزارع بونج روستاهای اطراف سیاهکل سوخت. دهقانان روستاهای اطراف سیاهکل که در خدوده هزار تن هستند، اوقیرترین اقبشار دهقانی این منطقه اند. نبودن آب کافی، وسایل کشت و زرع، بهداشت، خانه، مدرسه، به همسراه گران بی سرام، آورما یحتاج زندگی و بدهی به بانک ها و نزول خواران از مشکلات دیرینه ای آنها است.

اکثر روستاهای اطراف سیاهکل اینا که نمی توانند از آب کانال سراسری بهره بگیرند، اما هر ساله برای هر هکتار زمین ۱۵۰ تومان مبلغی معادل ۱۵۰ تومان پول آب و ۱۵۰ تومان پول برق به دولت تیردا زنند. در حالیکه نه آب در اختیار دارند و نه برق!

امسال به علت کم آبی بیش از حد و گرمای گم سابقه، مزارع بونج اطراف سیاهکل سوخت، و خسارت هنگفتی به دهقانان این منطقه وارد آمد.

دهقانان که نمی توانستند بیش از این تا هدا زمین بر قرض محصول کار و تلاش شبانه روزی خود با شند، برای تامین آب و دیگر اختیاجات خود، به بخشداری وجهبشاد سازمان بگرنیازهای روستایان و خواهان جفرجاه و نصیب

زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند



زحمتکشان
ومسئله‌ای بنام مسکن
(۲)

● در کشورهای وابسته
"تنگنای مسکن"
نه بمعنی کمبود مسکن
بلکه بمعنی احتکار وعدم
توزیع عادلانه آن می باشد

ضد رکودی آن در کوتاه مدت رشد بازارهای جدید
مصرفی از قبیل مصالح ساختمانی، تزئینات، سرویس
های ساختمانی و... همگی دولت را به دامن زدن و رشد
دادن بورس بازی در مسکن میکشاند. دولت وابسته از
طریق مختلف به رشد بورس بازی مسکن یاری میدهد از
جمله افزایش پرداخت وامها و اعتبارات دولتی در زمینه
مسکن، فقط کفایت بگوئیم میزان وامهای مسکن
پرداخت شده از سوی بانکهای کشور بر حسب سال است:

۵۴ سال	۵۵	۵۶
(میلیاردریال) ۱۲۷/۱	۱۳۵/۶	۱۲۷/۱

۶۶/۱

(انواع و چگونگی پرداخت این وامها را بعداً بررسی
میکنیم).

درصد سود در زمینه مسکن بسیار بالاست. این
مسئله چندین علت دارد که از جمله، درجه استعمار
بالای کارگران ساختمانی، سرعت گردش سرمایه و نیاز
کوتاه مدت آن، کم بودن میزان سرمایه ثابت و تقاضای
روزافزون مسکن را میتوان نام برد. بالا بودن سود باعث
می شود که سرمایه های بزرگ بسوی این رشته سرازیر گردد
سرمایه گذاری باندسها و اعیان و انصارش در این رشته
نمایانگر این تمایل سرمایه های بزرگ است. شهرک های
اکباتان - لویزان - چشمه طرح عباس آباد - شهرک
غریب تهران - شهرک کورش - عمران - شهریار و صندوق مسکن
اکباتان و صدها سرمایه گذاری کلان دیگر نمونه هایی از
این حرکت سرمایه های بزرگ در بی سود فراوانی است که
در این رشته عایدش میگردد.

سرمایه بزرگ با ورود خود تمامی زمینه های اصلی
را قبضه می کند و سرمایه خرد را بکناری می زند. در
این راه علاوه بر آنکه تمامی قدرت سرمایه کلان خود را به
خدمت میگردد و از تسهیلات فراوانی چون در اختیار
داشتن و دسترسی راحت به مصالح ساختمانی بهره
می برد (نمونه شهرک اکباتان که در اوج کمبود سیمان
به سرعت ساختمانیهای بنی خود را بالا میبرد، سادگی
این مساله را روشن میکند) دولت را نیز بصورت درست
در خدمت خود دارد و دولت وابسته از طریق بکارگیری
مکانیزم های مختلف در این راه به خدمت اومی شتابان
جمله:

ایجاد قوانین محدودده شهری که توسط آن زمینهای
"لازم" در طرح قرار می گیرد و به "مردم عوام" آن افزوده
نشد. در صفحه مقابل

طبق آمار موجود میزان سرمایه گذاری بخش
خصوصی در مناطق شهری و روستائی به صورت زیر است:

(مبلغ به میلیارد ریال)	۵۴ سال	۵۵	۵۶
شهری	۱۲۳/۷	۲۸۵/۱	۳۹۲/۵
روستائی	۱۶/۴۴	۲۲/۷	۳۱/۳

بوضوح روشن است که همواره میزان کمیتر از ۸٪ کل
سرمایه گذاری بخش خصوصی به روستاها اختصاص یافته
است. با توجه به این مساله که حتی در سال ۵۶ کمتر از
۵۰٪ جمعیت در شهرها زندگی می کرده اند ابعاد
و حشمتناک این توزیع نا عادلانه مشخص تر می شود. این
شکل از توزیع نابرابر سرمایه گذاری کاملاً بیش در
مورد شهرهای کوچک نیز دیده می شود. (در سال ۵۷
از کل ۱۰۰٪ سرمایه گذاری بخش خصوصی در مناطق
شهری ۳۷٪ منطبق به تهران و ۲۷٪ منطبق به شهر
های بزرگ دیگر بوده است و فقط ۳۶٪ به شهر
های کوچک اختصاص یافته. با توجه به ترکیب جمعیتی

● تناقض سیستم سرمایه داری [وابسته] بخوبی در
مورد مساله مسکن به نمایش در می آید. از سوی بورس
بازی و هجوم سرمایه به زمینه ایجاد مسکن، تولید
آن را بالا میبرد ولی از سوی دیگر فشار مسکن بر کارگران
وزحمتکشان و تنوعدهای محروم شهر و روستا روز بروز
افزون میگردد زیرا تمامی سرمایه گذاری روی
سوی اقتدار مرفه دارد.

تهران که کمتر از ۱۳٪ جمعیت شهری را در بر میگرفته این
تقسیم نابرابر بخوبی چشم می آید. ولی از طرف دیگر بالا رفتن قیمت مصالح ساختمانی
و نایاب شدن آن و کلاً افزایش مخارج تهیه مسکن که
تحت تاثیر تولید کلان مسکن در شهرها قرار دارد به
روستائین تحمیل می شود و "تنگنای مسکن" در روستاها به
حد زیادی افزایش میدهد
دولت وابسته در اوج گیری بورس بازی زمین و مسکن
دارای منافع مستقیم اقتصادی و سیاسی است. جذب
نیروی کار حاشیه نشین درست بصورت مطلوب، بگردش
در آوردن مقدار زیادی از سرمایه ها و در نتیجه حاصل

کارگران وزحمتکشان ایران در زیر فشار استثمار
مضاعف و غارت امیربالیستها در نهایت فقر و فلاکت به
زندگی خود ادامه میدهند. امیربالیستها و اربابانی
سرمایه دار آنان دستمزدها را در سطحی نگه میدارند که
برای بقای کارگران و خانواده هایشان کفایت
کند و در نتیجه این فقر و بی چینی، هدف عمده
تولید کنندگان مسکن در جهت کسب حداکثر سود
بسوی اقتدار میانه و بالای خرده بورژوازی
و همچنین طبقه سرمایه دار متوجه میشود
"مسکن کارگری و اصولاً مسکن کوچک
نادر و گران شده و حتی نایاب
می گردند زیرا در این شرایط صنعت ساختمانی
که در مسکن گران بهاز زمینه بورس بازی به مراتب بهتری
در دست دارد تنها در موارد استثنائی دست به ساختن
خانه های کارگری می زند."

این مسئله بخوبی آمار ساختن آنها پیداست. با
مراجعه به گزارش اقتصادی و طرازنامه... متوسط
سطح زیربنای ساختمانیهای ساخته شده توسط بخش
خصوصی در مناطق شهری در سالهای ۵۴-۵۵ و ۵۶
بالای ۲۰۰ متر مربع قرار دارد و متوسط بناهای شروع
شده در همین سالها بالای ۲۱۰ متر مربع است. این
مسئله بخوبی روشن میکند که تولید بخش مسکن در رابطه
با جاه اقتدار و طبقاتی شکل میگردد.

هرگاه ما منطبق سرمایه داران و در پی سود هر چه
بیشتر به بازار مسکن نگاه کنیم هیچیک از اهداف و علل
سرمایه گذاری در تولید و عرضه مسکن در روستاها یافت
نمی شود. در روستاها لزومی به جذب نیروی مازاد کار
وجود دارد (چرا که هدف عمده، سرازیر نمودن آن بشهر
ها است) و نه بازار "داغ" مصرف و مصرف کننده ای
چون خرده بورژوازی مرفه شهری. در نتیجه از دیدگاه
"منطق سرمایه" سرمایه گذاری مسکن در روستا دلیل
موجهی ندارد و به همین علت است که در صد بسیار
نا چیزی از سرمایه گذاری در این بخش به روستاها
اختصاص می یابد و این خود بر فقر و فشار موجود در
زندگی روستائیان می افزاید. میتوان گفت سرمایه
گذاری مسکن در روستا صرفاً در حدی است که دولت یا
بخش خصوصی مجبور است برای بقای جمعیت روستایی
و حفظ نیروی کار لازم در روستاها آنرا در دهونه
بیشتر.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه قبل

می شود و زمینهای وسیعی نیز در بیرون از محدوده در اختیار دولت قرار میگیرد تا "بموقع" با تسهیلات فراوان در اختیار سرمایه داران قرار داده شود. تسهیلات برای شهرک سازی، در اوج آنکه لونهکها و خانههای ساخته شده توسط زمینکشان شهری به بهانه خارج از محدوده بودن تخریب می شود برای ایجاد شهرکها و مجتمع های مسکونی سرمایه داران در خارج از محدوده، تسهیلات فراوان از سوی دولت ایجاد میگردد و آب و برق و تلفن نیز تامین میشود. تسهیلات برای تشکیل بانک مسکن و پرداخت سپه و ساد هوام و اعتبارات به صندوق های مسکن و مجتمع های بزرگ مسکونی، افزایش پرداخت وام "خرید مسکن" به متقاضیان برای بالا بردن تقاضای موجود در بازار، تنظیم مکانیسم های بهره بانکی و تسهیلات زیاد برای وام های بزرگ که از جمله بهره زیاد برای وامهای کوچک (خریداران) و بهره کم و تسهیلات زیاد برای وام های بزرگ (سازندگان) و... دولت وابسته با بکارگیری تمامی این روشها به جایگزینی سریع سرمایه های بزرگ و قبضه بازار مسکن توسط آنها کمک می کند.

دولت خود نیز در بخش "آبادانی مسکن" به سرمایه گذاری دست میزند که وجه عمدتاً آن در سه زمینه اساسی میباشد:

۱- ایجاد تسهیلات زیربنایی از جمله جاده سازی و اسفالت و آب و برق و... که بزبان ساده خرجی است از جیب توده های محروم و از پول مالیات زمینکشان در راه سودبری هر چه بیشتر سرمایه های خصوصی.

۲- سرمایه گذاری در بخشهای کم سود از جمله تهیه خانه های کارگری و... این قسمت از سرمایه گذاری صرفاً تحت فشار توده ها و اجبار دولت صورت میگیرد دولتی همواره در سطحی پائین بوده درصد بسیار کمی از بودجه آنرا تشکیل میدهد.

۳- سرمایه گذاری بعنوان دلال سرمایه های خارجی بشکل ایجاد شرکت های مشترک ایرانی و خارجی - با توجه به سرمایه گذاری های ثابت دولت در ساختمان و مسکن و عمران شهری میتوان به مسائلی زیر پی برد:

سال	۵۴	۵۵	۵۶
میلیارد ریال	۸۰/۱۴	۸۰/۶	۸۶/۷
ساختمانها و تاسیسات و عمران شهری	۵۱/۸۰	۶۷/۳	۷۶/۵

تامین مسکن
۱۶۳/۲ ۱۴۷/۹ ۱۳۱/۹۴ جمع
بسیار روشن است که دولت همواره کمتر از ۴٪ از سرمایه گذاری اش را در راه تامین مسکن انجام داده اما بهتر است ببینیم همین سرمایه گذاری نیز به چه شکل مصرف شد:

سال	۵۵	۵۶
۴۷/۲ میلیارد ریال	۱۹	۴۶/۱
اجداث خانه های کارمندان	"	"
کارگری و ارز نا قیمت	"	"
کارمندان	"	"
کارگری و ارز نا قیمت	"	"

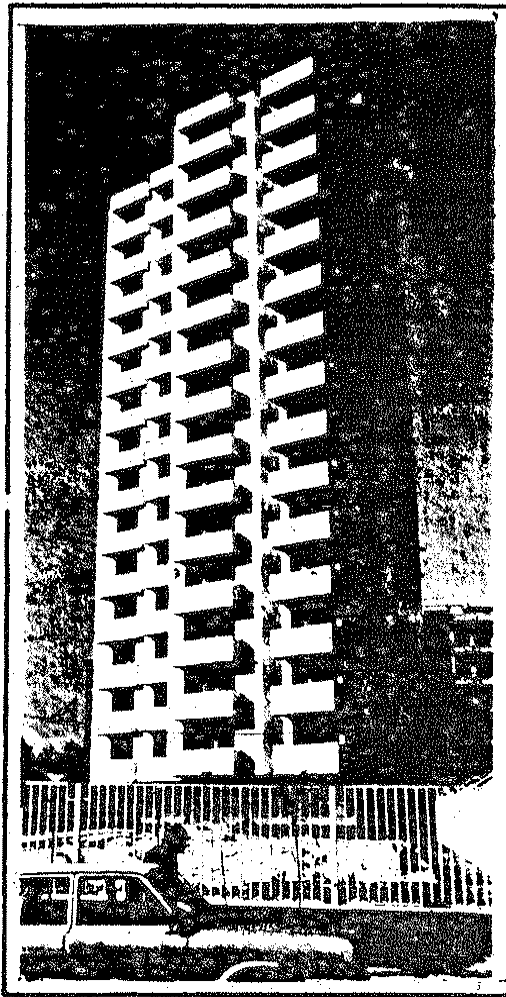
حدود ۲۹٪ صرفاً اجداث خانه های کارگری و ارز نا قیمت بالاتر از ۵٪ برای اجداث خانه های سازمانی بخصوص برای کارمندان نیروی دریایی.

از این آمار، جهت گیری سرمایه گذاری بسوی خرده بورژوازی مدرن کاملاً مشخص است و بخصوص هرگاه به شیوه تقسیم خانه های کارمندی و شکل بارنتی سازی و خاکبیت روابط در این تقسیم ها توجه کنیم مسائله روشن تری گردد.

تمامی این پروژه در تمام وجوه خود به خانه خرابی هر چه بیشتر کارگران و زمینکشان می انجامد. از سویی هر کجا صحبت از دسترسی زمینکشان به مسکن است

ضوابط حاکم که همگی در جهت کسب سود هر چه بیشتر برای سرمایه داران می باشد این امکان را محدود و حتی نابود نمی کند (مثلاً خارج از محدوده) در عین حال که رشد سرمایه گذاری در مسکن با افزایش قیمت مصالح و نیروی کار و ایجاد کمبود (عموماً مصنوعی) در این زمینه فشار عمده خود را بر دوش کارگران و زمینکشان وارد می کند. و از سوی دیگر بعزت عدم وجود سود کلان در رابطه با تولید مسکن زمینکشان (بدلیل ذکر شده) در این قسمت تولید اندکی انجام می گیرد. تناقض سیستم سرمایه داری (وابسته) بخوبی در مورد مسکن به نمایش در می آید از سویی بورس بازی و هجوم سرمایه به زمینها ایجاد مسکن، تولید تراپالامی سرد بطوریکه متلاسا ساختمانهای تمام شده توسط بخش خصوصی در مناطق شهری در سالهای مختلف به شرح زیر است:

سال	۵۴	۵۵	۵۶
تعداد	۷۸۳۲۲	۷۹۰۲۴	۹۴۲۳۱



ولی از سوی دیگر فشار مسکن بر توده های بی مسکن و متقاضیان اصلی این "کالا" یعنی کارگران و زمینکشان و توده های محروم شهر و روستا روز بروز افزون می گردد زیرا تمامی سرمایه گذاری رو به سوی فشار مرفه دارد. در کشورهای وابسته ۸٪ سرمایه گذاری مسکن به ساختمان برای طبقات مرفه اختصاص دارد. بهمین دلیل است که در این جوامع "تنگنای مسکن" در وجه عمد خود نه به معنی کمبود مسکن (بخصوص در شهرها) بلکه به معنی اختکار و عدم توزیع عادلانه مسکن میباشد. برای روشن شدن این مسئله به یک مقایسه آماری دست میزنیم. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سالنامه آماری کشور سال ۵۶ تعداد کل مسکن موجود در سال ۴۵ ۳۸۹۸۷۱۷۰۴۵ و در سال ۵۶ ۵۳۳۱۲۲۰۰ عدد بود ما است یعنی در این ۱۰ سال تعداد

سال	۵۴	۵۵	۵۶
تعداد	۵۳۳۱۲۲۰	۳۸۹۸۷۱۷۰	۵۰۳

عدد واحد مسکونی در سطح کشور ساخته شده است. از طرف دیگر با در نظر گرفتن نرخ رشد جمعیت ۲/۷٪ (سالنامه آماری کشور) جمعیت ایران در سال ۴۵

برابر ۲۶/۴۵۰/۰۰۰ و در سال ۵۵ ۳۳/۵۹۲/۰۰۰ نفر بوده است و در نتیجه در این ۱۰ سال

$$۲۳۵۹۲۰۰۰ - ۲۶۴۵۰۰۰۰ = ۷/۱۴۲/۰۰۰$$

نفر به جمعیت افزوده شده که با در نظر گرفتن میانگین پنج نفر برای هر خانوار (۱/۴۲۲/۰۰۰ = ۱/۴۲۲/۰۰۰) تعداد خانوار افزایش یافته ۱۱/۴۲۸/۴۰۰ است با این مقایسه ساد و روشن می شود که تعداد مسکن ساخته شده در ۱۰ سال در سطح کشور با تعداد خانوار افزوده شده برابر است (حتی کمی بیشتر است) ولی بعینه شاهد افزایش تنگنای مسکن "می باشیم. این مساله بخوبی تقسیم نا عادلانه مسکن و اختکار آن توسط عده ای معدود در ا روشن می کند.

... همانا هم اکنون در شهرهای بزرگ بقدر کافی ساختمان های مسکونی وجود دارد که در صورت استفاده عادلانه آنها هرگونه "تنگنای مسکن" واقعی فوراً از میان برداشته شود. این بالطبع تنها بوسیله سلب مالکیت از مالکین کنونی و ایجاد دادن بی خانمانها یا کارگرانی که در مسکن خود بیش از حد در هم فشرده شده اند در خانه های آنها شدن است.

انگلس درباره مساله مسکن به همین دلیل است که آمارهای دولتی موجود یعنی آماري که عمداً تعداد مسکن را بر حسب میانگین خانوار یا جمعیت سرانه در هر اتاق و... بیان میکند، تا زنگو کند و عمق بحران مسکن نیست. در این مورد باید دقت بیشتری انجام داد.

طبق آمار موجود (طرازنامه و سالنامه های بانک مرکزی، سرشماری سال ۵۵ و آمار شهرداری) با محاسبه خانه های خارج از محدوده و مسکونی های ارتشی تعداد کل واحد مسکونی در تهران حدود ۱/۱۰۰/۰۰۰ - واحد میباشد. طبق همین آمار جمعیت تهران ۴۸۹۰/۰۰۰ نفر است که هرگاه تعداد میانگین هر خانوار را ۴/۵ نفر بگیریم در تهران حدود ۱۰۸۷/۰۰۰ خانوار زندگی می کنند با مقایسه ای ساد و روشن می شود که حدود ۱۳/۰۰۰ واحد مسکونی اضافی در تهران موجود است و در اینجا است که بعد از خوشنماک توزیع نا عادلانه و اختکار مسکن روشن می شود. در حالی که بسیاری از کارگران و زمینکشان ما شبها را بدون سرپناه و با سختی تمام بسر می کنند، در حالی که در دروازه غار در خانه های ۷ اتاقه، ۶ خانوار زندگی می کنند، در حالی که در حلی آباد مساحت اشغالی توسط هر خانوار ۶ نفره کمتر از ۱۵ متر مربع است. صدها هزار خانه خالی در دست محتکرین و فشار مرفه جا معه قرار دارد.

کاملار روشن است که راه حل اصلی تنگنای مسکن (حد اقل در کوتاه مدت) بخصوص در شهرها مصادره انقلابی و توزیع عادلانه مسکن اختکار شده در دست فشار مرفه جامعه می باشد.

فشار مشکل مسکن بر توده ها حرکات اعتراضی آنان در این مورد در اسب می شود این حرکات که در ابتدا بشکل خانه سازی های منفرد در محله های خارج از محدوده است بر اثر اوچگیری خود، به صورت جریان وسیعی از خانه سازی در نواحی خارج از محدوده زمینهای بایر شهری رخ می نماید بطوری که در سال ۵۷ طبق آمار بانک مرکزی ۶۳٪ خانه های ساخته شده در تهران در خارج از محدوده بوده است و این خود وسعت این حرکت را نشان میدهد. در این حالت است که در مقابل فشار رژیم و حملات مزدوران آن برای تخریب خانه ها مقاومت های انقلابی توده ها سازمان می یابد و نطفه های فخر توده ها بسته می شود.

در تمامی مبارزات خونین خلق با رژیم پهلوی خواست مسکن بعنوان یکی از ملموس ترین و عینی ترین خواسته ها وجود دارد و پس از قیام سرخ بهمین است که باروی کار آمدن "دولت موقت انقلاب" این خواسته جای خود را به امید و انتظار از دولت "نور داد اعتماد" توده ها میدهد.

مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه برای دموکراسی نیست

سخنی با هواداران

نکاتی چند پیرامون کار مخفی و کار علنی

● کمونیست ها باید با تکیه بر امکانات بیکران توده ها، موجودیت سازمان و تداوم فعالیت کادرهای آن را تضمین کنند و عبارتی مانند ماهی در دریای بیکران توده ها به مبارزه خود ادامه دهند.

بقیه از صفحه ۱

این اشکال که از کم تجربه‌گی جنبش کمونیستی و نیز دیدگاه های نادرست و انحرافی ناشی میشود، یکی از ضعف های اساسی جنبش ماست. فقدان یک سازمان منسجم و باتجربه کمونیستی که در طول حیات خود توانسته باشد با تکیه بر تجربیات پرولتاریای بین المللی و احزاب کمونیست و نیز تجربه خاص خود بدرستی کار علنی و مخفی را در شرایط مشخصی تلفیق کند، این اشکال را در او چندان کرده است. بارزترین نمونه این نابسامانی را در زمینه کار علنی و مخفی بخوبی میتوان در چگونگی فعالیت سازمان ما تا با سرروز مشاهده کرد.

همراه با قیام و شرایط بالنسبه دمکراتیکی که بدین سال آن پیش آمد و محصول مبارزه توده ها بود سازمان ما که مدت ها بصورت یک سازمان دستوری و بی پایه و اساسی تأکید یک جانبه مطلق بر مخفی کاری و فعالیت خود ادامه داده بود پس از قیام به شکلی دیگر گرفتار افراط شد و بصورت یک سازمان کاملاً علنی درآمد. تمامی کادرها، سمپاتیها و هواداران سازمان در هر منطقه، فعالیت های گسترده ای را آغاز کردند. تشکیلاتی که بویژه در شهرستانها پدید آمد تشکیلاتی باز و صرفاً علنی بود و در حقیقت شاخه های تشکیلاتی سازمان در شهرستانها تشکیلاتی مبتنی بر موازین و هیات های یک سازمان کمونیستی بلکه در آنها نیست "سازمانهای توده ای" بودند. تمامی کادرها و فعالین سازمان در مناطق فعالیت خود شناخته شدند. نتیجه یک جنبش سیاسی که خط و مزی های "سازمان انقلابیون حرفه ای" و "سازمان چند ماهی بیچار تمام در مردانو شهر یوز سال گذشته با اولین یورش های نیروهای سرکوبگر آشکار شد. کادرهای فعال و ورزیده ما در بسیاری از شهرستان ها تحت تعقیب قرار گرفتند. آنا رشی و هر چه موجود نابسامانی تشکیلات را فرا گرفت. رفقائی که در محیط کوچک شهرستانها شناخته شده بودند، دیگر قادر نبودند فعالیت خود در همان منطقه ادامه دهند. امروز نیز هر چه شرایط دشوار تر میشود و نیرو های انقلابی مورد تهاجم گسترده تر ضد انقلاب قرار می گیرند، نتایج اسفناک این عدم درک تلفیق کار علنی و مخفی بیشتر آشکار میشود.

تربین کارگران که در همان حال فعالترین کادرهای کارگری ما در کارخانه ها هستند یا اخراج شده و یا شدیداً تحت فشارند. این همه، نتیجه سیاستهای لیبرالی و ضد تشکیلاتی "کمیته مرکزی" بود که در یک مرحله از حیات سازمان ما، با امید بستن یک دوران آزادی و دمکراسی اعمال شد و نیز نتیجه سیاست انحلال طلبانه ای است که "کمیته مرکزی" در جهت تبدیل سازمان بیک تشکیلات صرفاً علنی در پیش گرفت.

امروز در برابر ای موارد، عکس العملی که این سیاست غلط در میان هواداران و بخشهایی از تشکیلات محلی پدید آورده است، روی آوری به سیاست نادرست دیگریست که در حقیقت روی دیگر سکه است یعنی دست زدن به فعالیت های پیش از پیش مخفیانه و فراموش کردن کار علنی.

بنابراین می بینیم که اساساً بدو دیدگاه نادرست در زمینه کار علنی و مخفی وجود دارد:

۱- دیدگاهی که پیش از حد بودن در نظر داشتن شرایط به کار مخفی بنامیدهد، رابطه کار علنی و مخفی را درک نمی کند و به سبب جدال نداشتن از توده ها و در پیش گرفتن شیوه های سکتاریستی به مخفی کاری می پردازد. این دیدگاه بطور ناقص و یک جانبه با سازمان انقلابیون حرفه ای برخورد می کند و رابطه میان این سازمان و سازمانهای توده ای و دمکراتیک را درک نمی کند.

درست است که یک سازمان کمونیستی سواي مسائل ایدئولوژیک و مبارزاتی متناهی مخفی کاری و انضباط آهنین و

از سازمانهای توده ای متمایز می شود، اما باید در نظر داشت که هیچگاه مخفی کاری و رعایت انضباط آهنین در یک تشکیلات نباید منجر به جدایی تشکیلات کمونیستی از توده ها شود. بلکه بالعکس مخفی کاری در شرایطی مفهوم واقعی خود را می یابد که امر ارتباط یک سازمان کمونیستی را با توده ها تسهیل کند. یعنی آنچنان شرایطی را فراهم سازد که حتی در شرایط دشوار غیر علنی رابطه فعال و زنده این سازمان با توده ها حفظ شود. آن عده از رفقائی که رعایت مخفی کاری را مترادف با نفی شیوه های علنی مبارزه میدانند و با فروختن در خود و محصور شدن در یک چهار چوب محدود و روابط تشکیلاتی رابطه خود را با توده های وسیع می کنند درک درستی از مخفی کاری ندارند. آنها بعضی اینکه با تکیه بر امکانات بیکران توده ها موجودیت سازمان و تداوم فعالیت کادرهای آن را تضمین کنند و عبارتی همانند ماهی در دریای بیکران توده ها و با حفظ آنها مبارزه خود ادامه دهند، خود را بیک گروه منفرد و بسته تبدیل می کنند. آنها بعضی اینکه خود را از دید دشمن مخفی سازند، از دید توده ها پنهان می سازند و بدین طریق سازمان را در هر من ضرات جدی و مصلحتی از بوی دشمن قرار میدهند. هیچ سازمان کمونیستی بدون ارتباط با توده ها قادر نیست خود را از دید دشمن مخفی سازد. بنابراین تفاوت بین روشهای علنی و غیر علنی مبارزه تنها در پنهان نگاری نیست بلکه در قیام در رابطه توده ای یک سازمان کمونیستی مفهوم پیدا می کند. هر توده ای کمترین در این زمینه حاوی نکات ارزشمندی را

است. "فرق اساسی روشهای علنی و غیر علنی فقط در پنهان نگاری نیست بلکه این تفاوت در سیستم متمایز کار توده ای در انسجام حزب و در فعالیت حزب برای ایجاد ارتباط با توده ها و پیدا کردن راهی بدرون توده ها در شدیدترین شرایط تروریستی و اختناق نهفته است. . . . چنانچه برای این جوهر مسئله مخفی کاری فقط در پنهان نگاری بخاطر خود پنهان نگاری نیست بلکه وظیفه مخفی کاری آنست که کارها را آسان تر نموده، بنیاد تشکیلات را ضربه ناپذیر نماید. "عدم درک این مسئله که در عمل منجر به روشهای سکتاریستی میشوند، تنها سازمان را پیش از پیش از پیش پذیر میسازد بلکه زمینه را برای رشد و گسترش سازمانهای رفرمیستی و میدان یافتن سیاست های آنها فراهم میسازد.

۲- دیدگاهی که میگوید که تکیه بر امکانات بیکران توده ها هم به مراتب حدی تر به جنبش طبقه کارگر کمونیست میسازد. دیدگاهی است که کار مخفی کاری گریزان است و تنها شیوه های علنی مبارزه را می پذیرد و تبلیغ می کند. شیوه های انحلال طلبانه "کمیته مرکزی" که سعی بر آن داشت تا بنیاد فعالیت سازمان را بر کار علنی بنا نهاند نمونه بارز یک جنبش دیدگاهی است، این شیوه کار روشنی رفرمیستی آنها ناشی می شد، در عمل به انگار این اصل انجامیده بود که نباید با توده یک سازمان کمونیستی بر کار مخفی متکی نیست.

فاکتورهای کافی در دست است تا انسان با سانی سیاست انحلال طلبانه ای را که "کمیته مرکزی" در پیش گرفت، مورد قضاوت قرار دهد. شاهد بودیم که هرگاه حاکمیت یورش خود را

به منطقه ای آغاز کرد، در نتیجه سیاستهای نادرست "کمیته مرکزی" تعدادی از کادرها و فعالین شناخته شده سازمان دستگیر، زندانی و اعدام شدند و در بهترین شکل، مجبور به ترک

منطقه شدند. این رفتار که دیگر امکان ادامه فعالیت را در منطقه خود نداشتند مجبور بودند به مناطق دیگر بروند. تشکیلات از هم می پاشید و ضربات جبران ناپذیری بدان وارد می آمد. در حقیقت این دیدگاه، یک سازمان کمونیستی را تا سطح سازمان توده ای تنزل می دهد و توده های حل می کند. اکنون پس از این مقدمات گیر دازیم باین مسئله که در شرایط کنونی چه باید کرد؟ و چگونه باید شیوه های علنی و مخفی مبارزه را تلفیق کنیم.

قبل از هر چیز باید در نظر داشت که یک تشکیلات کمونیستی باید این آمادگی را داشته باشد که در هر شرایطی انیم از شرایط دشوار و شرایط بالنسبه دمکراتیک، به فعالیت همه جانبه خود ادامه دهد. یک جنبش سازمانی که دارای انسجام و وحدت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی است، بر مخفی کاری تکیه دارد و موازین امنیتی را که با موجودیت سازمان و کادرهای آن سروکار دارد، رعایت می نماید.

کادرهای خود را بصورتی تربیت می کند که تحت هر شرایطی قادر به ادامه فعالیت و مبارزه بیکر بوده موازین کار لازم سر خود را باشند. یک تشکیلات کمونیستی با چنین خصوصیاتش که به پنهان کاری سبب لازم را داده باشد، در شرایط دشوار نیز به ایبانی قادر است اشکال مبارزاتی و مبارزاتی نوین را منطبق با شرایط جدید بر گزیند و در حقیقت پنهان نگاری خود را وسیله ای برای پیوند هر چه بیشتر با توده ها قرار دهد. اما چگونه این سازمان که طبیعتاً بطور خصوصیات ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی اش محدود است، در شرایط بالنسبه دشوار میتواند ارتباط گسترده خود را با توده ها حفظ کند؟ یکی از موارد اساسی حفظ این ارتباط از طریق سازمانهای توده ای نظیر سندیکاها، شوراهای انجمن ها و شوراهای محلی و سازمانهای دمکراتیک نظیر سازمان زنان، سازمان دانشجویان، معلمین و

بقیه در صفحه ۹

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



پاسخ به سئوالات

سوال - اگر قدرت دولتی بطور عمده در دست بورژوازی متوسط است، پس چرا شعار پیش به سوی جمهوری دموکراتیک خلق و سرنگونی حاکمیت رانمی دهیم؟ در پاسخ بدین سوال ابتدا لازمست تفاوت شعارهای تبلیغی و ترویجی و رابطه آنها را توضیح دهیم و سپس شعارهای استراتژیکی و تاکتیکی و چگونگی طرح آنها را بیان کنیم.

شعارهای تبلیغی آنگونه شعارهایی هستند که توده ها را در زمان طرح شعار برای عمل مشخص بسیج نماید و حرکت درآورد. طبیعتاً این شعار باید با عینیت مبارزه توده ها انطباق لازم را داشته باشد. تا زمانیکه یک شعار نتواند این خصوصیت را داشته باشد، در طی مرحله ای بنا به شرایط مشخص باید ترویج شود تا اینکه عوامل عینی جهت طرح عملی شعار فراهم شود. آنگاه همان شعار میتواند بصورت تبلیغی در دستور کار قرار گیرد.

در این مورد "له دوان" در کتاب انقلاب و بنیاد چنین میگوید: "باید بین شعارهای ترویجی و شعارهای عملیاتی تفاوت قائل شد تا از درگیر شدن توده ها در شرد های تعیین کنند مزودیا در ترازو وقت مناسب اجتناب شود. هم شعارهای عملیاتی و هم شعار

های ترویجی باید دائماً تغییر یابند تا مناسب تحول مبارزه باشد. بخصوص شعار عملیاتی که از نزدیک مربوط به کوششهای روزانه هستند، باید قابلیت انعطاف بی حد نشان دهند و حتی هر ساعت تغییر کنند، همان طور که موقعیت تحول می یابد، باید بتدریج سطح شعارهای عملیاتی را بالا برد و نهایتاً وقتی که موقع مناسب فراهم شد شعارهایی را که تاکنون برای ترویج بود، به شعارهایی برای عمل مستقیم و قاطع تبدیل کرد. این برای انقلاب خطرناک است که توده ها را به تیرد قطعی زود یا دیر ترازو وقت کشانید. تحت تمام شرایط، مهم ترین چیزو اساسی ترین تصمیم برای جلوگیری از اشتباه درک کامل موقعیت مشخص است.

یک شعار استراتژیکی که یک دگرگونی منطقی با پایان یک مرحله استراتژیکی را در بردارد برای پیشاهنگ قابل پیش بینی و ملموس و قابل درک است، اما برای توده ها نمی تواند این چنین باشد. ترویج این شعار و انطباق آن با شرایط ویژه و وظیفه پیشاهنگ است.

پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ - هنگامی که قدرت دوگانه حاکم بود و شوراها بخشی از قدرت را با انکابه توده ها کسب کرده بودند،

شعار همه قدرت بدست شوراها مطرح شد، اما بتدریج که شوراها به زائده بورژوازی تبدیل شدند و این شوراها از محتوای انقلابی خود تهی گردیدند، این شعار جز فریب توده ها و اعتماد غیر اصولی بد حاکمیت نتیجه ای در بر نداشت و لنین گفت "شعار واگذاری قدرت بدست شوراها را میتوان به مثابه دعوت ساده ای برای انتقال قدرت بدست همین شوراها دانست و حال آنکه صحبت در این باره دعوت به این عمل در لحظه فعلی معنایش فریب مردم است و هیچ چیزی هم خطرناک تر از فریب نیست، اما بتدریج و با تبلیغ صبورانه پیشاهنگ زمانیکه اعتماد نا آگاهانه به حاکمیت از میان رفت، این شعار بایک محتوای مبارزاتی مشخص که عبارت از سرنگونی قدرتی دولتی و استقرار واقعی شوراها بود موجب بسیج توده ها می شود. به درستی طرح شد و توده ها را به یک عمل انقلابی دعوت کرد. لنین در مورد انتخاب شعار های می گوید "هر شعار باید از مجموعه خصوصیات اوضاع و احوال سیاسی موجود نتیجه گیری شود." (لنین، در اطراف شعار ها).

در شرایط مشخص کنونی هنوز در جامعه ما انبوهی از توده های مردم نسبت به حاکمیت موجود اعتمادی نا آگاهانه دارند. علیرغم اینکه خواستهای واقعی توده ها تحقق نیافته و امروز فشارهای متعدد اقتصادی زندگی میلیونها نفر از توده های مردم را به تنهایی کشانده است. با این وجود بخشهای وسیعی از توده ها به وعده وعیدهای هیئت حاکمه و فرمهای آن، دلخوش کرده اند، تا زمانی که این

توهمات در هم نشکسته است و توده ها در زندگی و تجربه روزمره خود بکلی از حاکمیت قطع امید نکنند، طرح شعار سرنگونی حکومت و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق شعاری پیش رسی می باشد که نتیجه ای جز جدائی پیشاهنگ از توده ها نخواهد داشت. بگذار که کارگران خود بعینه در بایند که حاکمیت موجود از منافع آنها دفاع نمی کند و نمی تواند جو بگویی نیازهای آنها باشد، بگذار که دهقانان بو خرده بورژوازی شهری در عمل سیاست فریب هیئت حاکمه را دریابند، بگذار تمامی خلق بی به سیاست های ضد انقلابی هیئت حاکمه ببرد و ماهیت باصلاح سیاست های ضد امپریالیستی شان روشن شود، آنگاه شرایط طرح شعار سرنگونی فراهم خواهد شد.

اکنون وظیفه ماست که با توجه به مبارزه طبقاتی و موقعیت و روحیات توده ها، با مراکازی و شکل توده ها بپردازیم. ماهیت اقدامات ضد مردمی هیئت حاکمه را افشاکنیم، در جهت زدودن اعتماد نا آگاهانه و ناشی از زود باوری خرده بورژوازی تلاش کنیم آنگاه طرح شعار سرنگونی و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق می تواند شعاری بسیج کننده بوده و توده ها را به عمل انقلابی بکشاند. از آنجا که معتقدیم انقلاب کار توده ها است پس گامی نیست که پیشاهنگ به شعار فوق دست باید بلکه لازمست پیشاهنگ درک مشخص خود را ترویج نماید تا زمینه تبلیغی شعار فوق فراهم گردد.

لنین در آوریل ۱۹۱۷ در پاسخ به کسانی که مطرح می کردند که آیا باید دولت بورژوازی را

فوراً برانداخت پاسخ داد: "آنها باید برانداخت زیرا این حکومت الیگارشی بورژوازی است نه حکومت تمام مردم، این حکومت نمی تواند نه صلح بدهد، نه ان و نه آزادی کامل".

آنها نمی توان اکنون سرنگون ساخت، زیرا این حکومت بوسیله سازش مستقیم و غیر مستقیم، بوسیله سازش در گفتار و در کردار با شوراها و پترزبورگ خود زاروی نگاه داشته است.

آنها اصولاً با وسایل معمولی نمی توان برانداخت، زیرا متکی بر پشتیبانی حکومت دوم، یعنی شوراها و نمایندگان کارگران و سربازان از بورژوازی است. " (در باره قدرت - دوگانه) آری حاکمیتی که پس از قیام شکل گرفت، حاکمیتی ماهیتاً بورژوازیست، این حاکمیت نه میخواهد و نه میتواند به نیازهای توده ها پاسخ دهند. این حاکمیت شایسته هیچگونه حمایت و پشتیبانی نیست، هر گونه تلاش در این جهت و آموختن به توده ها که به آن اعتماد کنند، خیانت به طبقه کارگر و توده های مردم است. این حاکمیت، حاکمیتی خلقی نیست آنها را باید سرنگون کرد، اما نه اکنون و بلا واسطه، بلکه طرح این شعار مستلزم فراهم آمدن شرایط عینی و ذهنی لازم است و ما مطمئنیم همانگونه که امروز دست به توده ها، از حاکمیت جدا میشوند، این پروسه ادامه خواهد یافت و این اعتماد نا آگاهانه که اکنون در میان بخش هایی از توده ها وجود دارد از بین خواهد رفت، یک چنین شرایطی طرح شعار سرنگونی را در دستور قرار خواهد داد.

نکاتی چند پیرامون کار مخفی

غیره است و این مسئله است که بویژه در شرایط کنونی مورد نظر ماست.

رقفاتی که بخصوص در شهرستانها فعالیت می کنند باید در نظر داشته باشند که تشکیلات منطقه ای باید بر اساس ضوابط و معیارهای یک تشکیلات کمونیستی، از انجام لازم بر خوردار بود و به کامل ترین وجه رعایت موازین امنیتی را بنماید و تشکیلاتی مخفی باشد، اما بسته بوضعیت و جو منطقه و درجه قدرت و توانایی هیئت حاکمه و روحیات و سطح مبارزه توده ها از اشکال متنوع فعالیتها عینی

بقیه از صفحه ۸

استفاده کنند و در تمام مراکز تجمع توده های حتی مراکزی که حاکمیت منحصر با اختیار خود در آورده است حضور داشته باشند. رفقاز هم اکنون باید در تفکیک کادرهای علنی و مخفی باشند و مبلغینی تربیت کنند که بعنوان کادرهای علنی، قادر باشند سیاستهای سازمان را تبلیغ کنند. مبلغینی که بصورت کادرهای علنی در می آیند، از آنجا که وظیفه آنها دفاع از سیاستهای معین است و نه مستقیماً ایدئولوژی معین،

کمتر در هر ضربات دشمن قرار می گیرند. مسئله ای که بویژه باید مورد توجه جدی قرار گیرد، دادن بهای لازم به سازشهای توده ای و دموکراتیک است.

پاره ای از رفقای ما در شهرستانها به سازمانهای توده ای که بکلی از کانالهای بسیار مهم پیوند یافته اند و در هر شرایطی و بویژه شرایط دشوار، اهمیت اساسی دارند بهای لازم را نمی دهند و تنها به تشکیلات محدود خود و کار مخفی فکری کنند و به امیجاد، تقویت و شرکت فعال در سازمان های توده ای توجهی ندارند، این دیدگاه اساساً اشتباه است و واقعیت اینست که گرچه هنوز

هیئت حاکمه در وضعیتی نیست که به سرکوب سیستماتیک و سازمان یافته بپردازد، اما با توجه به چشم انداز موجود، بدون ارتباط با توده های وسیع از طریق سازمانهای توده ای حفظ و تقویت پیوند ما با توده ها دشوار خواهد بود و نیز باید در نظر داشت که شیوه عمل ما بگونه ای باشد که هم رابطه تشکیلات کمونیستی با سازمانهای توده ای حفظ شود و هم اینکه به اساس و بنیاد تشکیلات مخفی ما خدشه ای وارد نیاید و تشکیلات را تا سطح سازمان توده ای تنزل ندهد. بدین منظور فعالیتها بویژه تفکیک سازمان انقلابی و حرفه ای و سازمانهای توده ای در همان حال که در پی ایجاد،

تقویت و گسترش سازمانهای توده ای هستند، هیئتهای سرخ خود را که هیئتهای تشکیلاتی هستند در سازمانهای دموکراتیک و توده ای ایجاد می کنند و با تکیه این هیئتهای سرخ رهبری و هدایت این سازمانها را در دست می گیرند و سیاستهای تعیین شده از جانب سازمان را پیش می برند. باید در نظر داشت که سیاست ما در سازمانهای توده ای نیست به سایر نیروهای مترقی و انقلابی، با رعایت حد و مرز سیاسی - ایدئولوژیک، وحدت عمل با آنها در مقابل نیروهای ارتجاعی، رفرمیست و سازشکار است.

تعطیل دوروز در هفته تامین کننده رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

بافشای توطئه غیرقانونی کردن گروه‌ها و سازمان‌های ...

بقیه از صفحه ۱

ساخت و بهمین دلیل است که میخواد همدردر شکال پوشیده تر و ظریف تر و بازمینه سازی قلی در میان مردم چینی مری را متحقق گردانند.

آنها نیروهای انقلابی و ضدا میریالبراسترا ضد انقلاب معرفی می‌کنند و به دروغ آنها را به محافل ارتجاعی کوفتاگر متصل می‌کنند و به دروغ پرازی و عوام فریبی متوسل می‌شوند.

روزنامه‌ها حزب جمهوری اسلامی و فراکسیون پارلمانی آن فعالان در این جهت تلاش می‌کنند. "لیبرالها" نیز در اشکالی متفاوت با حزب همین هدف را دنبال می‌کنند و بین جناح‌های اصلی حاکم در این زمینه همسویی کامل وجود دارد.

در چنین شرایطی وظیفه نیروهای انقلابی است که از هم اکنون متحداً در جهت افشای ماهیت این سیاست هیئت حاکمه بکوشند و با آگاه کردن توده‌ها با توطئه‌ها و یکپارچه‌سازی نیروهای انقلابی در شرف تکوین است مقابله کنند.

همانگونه که فشار توده‌ها همراه با افشای گری نیروهای انقلابی به هیئت حاکمه اجازه نداد که این سیاست خود را بطور کامل پیش برد و وحدت عمل نیروهای انقلابی و افشای هر چه گسترده‌تر این توطئه و توضیح ماهیت ضدا انقلابی آن برای توده‌ها، مانعی جدی بر سر راه اجرای این سیاست ایجاد نخواهد نمود.

ما از همه نیروهای انقلابی و مترقی می‌خواهیم که برای خنثی کردن این اقدام هیئت حاکمه متحداً در جهت افشای هر چه گسترده‌تر این سیاست تلاش نمایند. متحداً بکوشیم با افشای توطئه غیرقانونی نمودن سازمانها و گروه‌های انقلابی توسط هیئت حاکمه از دستاوردهای قیام توده‌های مردم دفاع کنیم.

است که این حقوق دمکراتیک را توده‌ها و نیروهای انقلابی با مبارزه و قیام قهرمانانه خویش کسب کرده‌اند و علیرغم خواست و تمایل هیئت حاکمه این حقوق را پاسداری می‌کنند. امروز دیگر توده‌ها در طول مبارزات خود و قیام بهمن ماه آگاهی‌های فراوانی کسب کرده‌اند و هیئت حاکمه قادر نیست به سا دگی آنها را بفریبد و سرکشی‌ها نماید. حاکمیت کنونی با قیام توده‌ها بقدرت رسیده و مجبور است به برخی خواسته‌های توده‌ها گردن نه‌د و نمیتواند آشکارا و بی‌پرده در جهت محو ستا وردهای قیام عمل کند.

هم‌تضادهای درونی هیئت حاکمه و بحران حاکم بر جامعه و هم‌فشار توده‌ها از یک سو و بطور کلی شرایط مبارزه طبقه‌های چینی مکنی را از هیئت حاکمه سلب نموده است که بتواند بدون مانع و رادع خواسته‌های خویش را عملی سازد. هنگامیکه دادستان کل میگوید "البته ما چگون نمی‌خواهیم یک مسئله جدیدی را در مملکت ایجاد کنیم لذا فعلاً" یا مسائل آنطور که فکر میکنیم صلاح است برخورد کنیم، حقیقتی را بیان داشته که نشان میدهد آنها فعلاً چنین کاری را صلاح نمیدانند چرا که بخوبی میدانند توده‌های مردم و نیروهای انقلابی در برابر این اقدامات ضد دمکراتیک سکوت اختیار نخواهند کرد و افشای گری نیروهای انقلابی هم‌راه با اعتراض توده‌ها هیئت حاکمه را با مشکل روبرو خواهد کرد.

انقلابی و مترقی ممنوع و غیرقانونی اعلام شده و فروشندگان این نشریات به حبس‌های تا شش ماه محکوم میگردند. زمامداران جمهوری اسلامی اکنون در صدد تا سازمانهای انقلابی غیرقانونی کنند و حزب جمهوری اسلامی از هم اکنون در مجلس زمینه طرح و تصویب غیرقانونی نمودن سازمانهای انقلابی را تدارک می‌بینند. جناح "لیبرالها" نیز علیرغم اختلافاتشان با جناح حزب جمهوری اسلامی با آن همسو و یکدل هستند. آیت الله موسوی رجبی در استان کل کشور اخیراً طی مصاحبه‌ای با کیهان به گروه‌های سیاسی هشدار داد که اگر به فعالیت سیاسی خود همچنان ادامه دهند آنها را غیرقانونی اعلام خواهند کرد و "راه قانونی" را قطعانه به پیش خواهند برد. بدون شک در مجلسی که اکثریت مطلق نمایندگان آن از جناح حزب جمهوری اسلامی و "لیبرالها" هستند و در حکومتی که قدرت دولتی بطور عمده در اختیار بورژوازی متوسط می‌باشد بجز این نیز نیامی‌تواند انتظار داشته عمل کرد. هیئت حاکمه از نخستین روزهای قیام بروشنی اثبات نموده است که آنان نه با رعایت حقوق دمکراتیک توده‌ها و دمکراسی سرسازگاری دارند و نه حاضر به پذیرش فعالیت سیاسی گروه‌ها و سازمانهای انقلابی و ضدا میریالیست هستند. اما خواست هیئت حاکمه در نابودی دستاوردهای قیام تنها یک وجه قضیه است و وجه دیگر و مهمترین قضیه این

روشن می‌سازند، کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان را به منافع طبقه‌هایشان آگاه می‌گردانند، پایگاه داخلی میریالیست‌ها به توده‌ها نشان میدهند و بر ضرورت براندازی نظام گندیده سرمایه‌داری وابسته و محو هرگونه استثماری روستم تا کسب میکنند، سرمایه‌داران زمینداران را دشمنی می‌ورزند، خواهان تحقق حقوق طبقه‌های تحت ستم ایران هستند. اما زمامداران جمهوری اسلامی که فعالیت آگاهانه نیروهای انقلابی را به زیان منافع طبقه‌های خود که همان منافع سرمایه‌داران و زمینداران است می‌بینند و از رشد آگاهی توده‌ها هراس دارند، تلاش می‌نمایند تا جلوی فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی را سد کرده و دستاوردهای قیام توده‌ها را پایمال و محو و نابود سازند. ولی آنها نه می‌توانستند و نه می‌توانند بسا دگی حقوقی را که توده‌ها از زحمتکش و نیروهای انقلابی مبارزه خویش بدست آورده‌اند پایمال کنند. این حقوق را کسی به آنها ناعطاء نکرده است بلکه توده‌ها به نیروی خویش و با مبارزه‌شان کسب کرده‌اند، اما هیئت حاکمه به شیوه‌های مختلف سیاستهای ضد دمکراتیک خود را ادامه میدهد. حزب جمهوری اسلامی دسته‌های وابش و چماق‌داران را تحریک نموده و با حمایت کمیته‌ها و پاسداران به دفاتر سازمانهای انقلابی حمله کرده و آنها را یکی پس از دیگری تعطیل نموده است. امروز روزنامه‌ها و نشریات سازمانهای

بخاطر دارند که چگونه در روزهای قیام بهمن ماه نام فدائی یا غریب توده‌های بی‌پایه‌خاسته عجیب گشتند و این روزهای پرشکوه، فدائیان خلق و سایر نیروهای انقلابی پیشاپیش توده‌های خلق به پایگاه آنها، کلانتریها و دیگر مراکز جو روستم رژیم منقوری پهلوی حمله بردند و به تیردبا عوامل مزدور و سرسپرده پرداختند.

سازمانها همگامیکه رژیم دیکتاتور شاه به دست توانای زحمتکشان سرنگون گردید، پس از سالیان در از خنثی و دیکتاتور فضا با لنتسه دمکراتیک به نیروی توده‌ها بر میهن ما حاکم شد. فدائیان خلق و دیگر نیروهای انقلابی جهت تعمیق و گسترش جنبش ضدا میریالیستی - دمکراتیک خلق به گشودن دفاتر عملی اقدام کردند و پس از سالها مبارزه مخفی فعالیت سی از دو عملی را آغاز کردند.

آنچه چینی مکنی را برای فدائیان خلق و سایر نیروهای انقلابی فراهم آورد همان سیاست اعتدالی بود که این نیروها بر اساس مبارزه فدائیان و بی‌ماشان علیه رژیم دیکتاتور شاه و اربابان امپریالیستش در طی سالیان در از نزد توده‌ها بدست یافته بودند و گرنه زمامداران جمهوری اسلامی از همه نیروهای نخستین از قیام به انحاء مختلف کوشیدند تا فعالیت این نیروهای واقعا ضدا میریالیست را هر چه محدودتر سازند. فدائیان خلق میکوشدند مبارزات توده‌ها را ارتقاء داده و جنبش ضدا میریالیستی را تعمیق بخشند. آنها علل بدبختی‌ها و فقر و فاقه توده‌ها از زحمتکش را که ریشه در نظام استثماری سرمایه‌داری وابسته دارد برای مردم توضیح میدهند و مفهوم واقعی امپریالیسم و چگونگی سلطه آنها در جامعه ایران را برای توده‌ها

سرکوبگران خلق کُرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

در یکی از روستاهای قائم شهر زحمتکشی دیگر با گلوله مأموران کمیته در خون غلطید

وبارها، درده و شهر و کارخانه، زحمتکشانی که برای خواستهای برحق و طبیعی خویش دست به مبارزه زده اند، توسط حکومت به شدت سرکوب شده اند، سرکوب کارگران و دهقانان در اصفهان، بندرانزلی، ترکمن، صحران و کرهستان و به خون غلطاندن رضا مجیدی از روستای "سیداهو صالح" همه گواه بر این است که رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم تمام ادعاهایش، در عمل از منافقین و زمینداران و سرمایه داران دفاع می کند.

متواری شدند. این خدمتگزاران سرمایه داران و زمینداران حتی از بردن رضای مجیدی به بیمارستان دریغ کردند. اهالی روستا که با خشم و تنفر شاه عدو حاکم بودند، بدن نیمه جان رضا زرا به بیمارستان رسانند اما وی بر اثر شدت خونریزی شهید شد. این اولین بار نیست که زحمتکشانی، توسط عوام ملوما موران حکومت جمهوری اسلامی سرکوب می شوند، در طول ۱۸ ماهی که از قیام خلقهای ایران گذشته است، بارها

روستائی زحمتکش بحالت اغما افتاد. هنگام بازگشت ما موران کمیته، برادر روستائی مضراب، بنام رضای مجیدی با آنها برخورد کرد. ما موران کمیته به محض دیدن رضای مجیدی او را به با دفحش و ناسزا گرفتند و قصد داشتند او را دستگیر کرده و با خود ببرند اما او از رفتن امتناع کرد و بهمین خاطر هم کمیته چیه او را به رگبار بستند ما موران کمیته بدن نیمه جان روستائی زحمتکش را سر راه انداختند و

به روستای "ارته" برده و فروخته اند آنها را با خود بانجا بردند. کمیته چیه ها در "ارته" یکی از این روستایان بنام حسین علی مجیدی را شدیداً مضراب کردند بگونه ای که این

شب عید فطر، چند تن از افراد کمیته قائم شهر، دوتن از اهالی روستای سیداهو صالح را بجرم چوب بری قاچاق دستگیر کردند و به بهانه اینکه چوبهارا

تحولات اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و موضع ما

با اعلانی شدن مبارزه ایدئولوژیک توسط جناح انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، جناح اپورتونیست سازمان به رهبری اکثریت کمیته مرکزی که تمام کوشش را برای جلوگیری از اعلانی شدن مبارزه ایدئولوژیک بی نتیجه یافت، کوشید تا با ابهام آفرینی، تحریف مسائل و با استفاده از اهرمهای تشکیلاتی، توجه اعضا و هواداران سازمان را از مسائل طرح شده، منحرف کند و با عنوان اینکه ما خواهان مبارزه ایدئولوژیک برای دستیابی به حداقل تئوری های مارکسیست - لنینیستی و تحکیم اصول برای وحدت هر چه بیشتر هستیم، اقلیت را متهم کند که گویا از زیر بار مبارزه ایدئولوژیک شانه خالی میکند. با اعلانی شدن مبارزه ایدئولوژیک و نقطه نظرات اقلیت و اکثریت درباره، مضمون این مبارزه، بخوبی دیدگاه پراگماتیستی و منافیزیکی اکثریت بنمایش گذاشته شد. برخوردهای پراگماتیستی اکثریت نه در جریان اعلانی شدن مبارزه ایدئولوژیک بل در تمام تحلیل ها چشم میخورد. بررسی این واقعه تا واقعه بعد، ارائه تحلیل های متضاد درباره یک جریان مشخص، غیرطبیقاتی بودن دیدگاه اکثریت و پراگماتیستی برخورد کردن آنها را با مسائل نشان میدهد. آنها در مقطع پلنوم کوشیدند ریشه بحران درونی سازمان را بشکل فرمالیستی عنوان وریشه کن کنند. دیدمنا فیزیکی اکثریت کمیته مرکزی و ندیدن رابطه دیالکتیکی تئوری و پراتیک، باعث شد که آنها مبارزه ایدئولوژیک را تحت عنوان تحکیم اصول و دروجه تجربی مورد بررسی قرار دهند. نظرفقائ اقلیت مبنی بر غیر علمی و عملی بودن طرح مبارزه ایدئولوژیک اکثریت در پلنوم، بخاطر محدودیت هائی که اکثریت کمیته مرکزی برای جلوگیری از ورود فقائ اقلیت ایجا کرده بودند، مورد قبول واقع نشد و تنها بعد از پلنوم و هنگام عملی نمودن مصوبات پلنوم، اصولی بودن نظراقلیت خود را نشان داد.

اکثریت کمیته مرکزی که با درپیش گرفتن سیاست سازشکارانه، عملاراه خود را از مبارزات توده ها جدا کرده است، میگوید که مسائل مورد مشاجره و علل انشعاب را صرفاً در برخورد با مشی مسلحانه مورد ارزیابی قرار دهد تا بدین طریق و در دنباله سیاست های سازشکارانه خود اعضا و هواداران سازمان را از پرداختن به مسائل حاد و میرم جنبش (و در راس آنها تحلیل حاکمیت) بازدارد و اختلافات را فقط در برخورد با تاکتیک مسلحانه محدود کند.

اینگونه برخوردها نه بخاطر ضعف تئوریک بلکه بخاطر پدیده اکثریت کمیته مرکزی است یعنی که علیرغم تکیه بر مارکسیسم - لنینیسم، اثری از جوهر انقلابی مارکسیسم - لنینیسم در آن دیده نمیشود و عملاً سیاست های روپزیونیستی را دنبال میکند و آب به آسیاب بورژوازی می ریزد. مبارزه با این جریان اپورتونیستی بمثابه خطر عمده جنبش کمونیستی باید در دستور کار کلیه نیروهای انقلابی قرار گیرد. اگر حزب توده بمثابه سردمدار انحراف بر است در ایران، بخاطر سوابق خیانت بارش از طرف کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی طرد شده است، انحراف کمیته مرکزی با توجه بسوابق پسر افتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و اعتماد توده ها باین سازمان، میتواند ضربات مهلکی بر جنبش انقلابی خلق وارد کند. امروز ما شاهد اپورتونیسم راستی هستیم که اکثریت کمیته مرکزی حامل آن است. نفوذ اپورتونیسم در کمیته مرکزی، وظیفه سنگینی را بر روی دوش اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میگذارد. هرگاه باین مساله توجه داشته باشیم که اپورتونیسم راست خطر عمده و پاشنه آشیل جنبش کمونیستی است، به وظیفه سنگین خود در جهت نابودی این انحراف بیشتری میبریم. حمایت از جناح انقلابی و مارکسیست لنینیست سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) و افشای سیاست های سازشکارانه و اپورتونیستی اکثریت کمیته مرکزی، مبارزه ای است در جهت طرد انحراف بر است در جنبش کمونیستی ایران. ما گروهی از هواداران سازمان، ضمن پشتیبانی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و افشای سیاست های سازشکارانه اکثریت کمیته مرکزی، حضور خود را در این مبارزه اعلام میکنیم.

برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک اعلنی، وحدت بخش جنبش کمونیستی ایران

"بسر دجنوب" هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۵۹/۵/۷

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

اعدام فرزند انقلابی خلق کرد بدون جرم و اتهام!

خلق قهرمان کرد که پس از سالها ستم و محرومیت مبارزه عا دلانه و پرشوری را برای گرفتن حقوق حقه‌ی خویش آغاز کرده است، با ارا ده و ایمانی محکم و استوار به پیکار بی‌مان‌سای دشمنان خلقهای ایران ادامه می‌دهد و در این پیکار سترگ، هر روز شهدائی برخاک قهرمان پرور و حماسه آفرین کردستان فراموشی غلطند. حدود ۲۵ ماه پیش رفیق فدائی، فیروز صدیقی توسط ما موران زندان رمی در جاده اشویه دستگیر میشود. ما مسوران زندان رمی رفیق را به سپاه پاسداران منتقل می‌کنند. در محل سپاه رفیق فدائی، برای معرفی دوستان خود به شدت زیر شکنجه‌ی پاسداران قرار می‌گیرد. آثار شکنجه‌ها ئی که بعد از اعدام، فیروزی حسد شده حکایت از انواع شکنجه‌های آریا مهری داشته است، زیرا آثار

سوختگی و سوراخ کردن دست و پا روی بدنش بوده است. رفیق، پس از تحمل شکنجه‌های بسیار به تبریز منتقل میشود و بعد از ۲۰ روز - شکنجه و آزار، روز نهم مرداد او رفیق دیگری که همراه او دستگیر شده بود با دوتن دیگر به اتهام اقدام علیه جمهوری اسلامی (شرکت در درگیریهای "بند") به جوخه‌ی اعدام سپرده می‌شوند. آنچه که در این رابطه، دروغ‌گویی و عوام فریبی دست اندرکاران جمهوری اسلامی را بیان می‌کند، این است که: رفیق فیروز صدیقی قبل از درگیریهای "بند"، دستگیر شده بود در حالی که به اتهام پوچ و واهی شرکت در درگیری "بند" سینه‌اش آماج گلوله‌های حامیان سرما به داران و زمینداران و دشمنان خلقها قرار گرفت. گرامی یادیا در فحاشی که در جهت تحقق آرمانهای سترگ خلق کرد و هم‌ه‌ توده‌های چریک‌های قهرمانانه شهید شدند.

کودک ولخند
در دامنه‌های کردستان
زیباترین شقایق انسانیست
که برخاک گلگون مقاومت، می‌خندد
بگذار تنگ‌های مقدس!

خمپاره‌های مقدس و
کاردهای مقدس!
بر پیکر کودکان برده، خون کشد
کردستان زنده است
ایران زنده است



از جنبش مقاومت خلق کرد دفاع کنیم

مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای تحت ستم میهنمان هر روز عمق و گسترش می‌یابد و مبارزات حق طلبانه و مقاومت قهرمانانه خلق زحمتکش کرد، بمثابه جزئی از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای سراسر ایران جایگاه شایسته‌ی در پیکار نیروهای انقلابی کسب کرده است. ابتدا درصد دوازدهم از نیروهای ضربه خورده سرمایه‌داری وابسته برآمدن چاردرمقابل خواسته‌های برحق توده‌های ستمدیده‌جا معما بیستادگی نمود هر کجا که توده‌ها برای کسب حقوق برحق خود ایستادگی می‌نمودند آنها را سرکوب می‌نمود. حاکمیت سیاسی ایران از همان ابتدا دشمنی آشکار خود را با مبارزه عا دلانه توده‌های زحمتکش و انقلابی خلق کرد نشان داد و هر روز بیشتر از روز قبل آنها را سرکوب نمود اما مبارزه توده‌های زحمتکش خلق کرد به علت وجود تضاد های حاد طبقاتی، سابقه درخشان مبارزاتی خلق کرد و شرکت نیروهای انقلابی و مترقی در این جنبش هر روز عمق و گسترش بیشتری می‌یابد. در این میان وظیفه نیروهای انقلابی بسی سنگین و حساس می‌باشد زیرا در شرایطی که توده‌ها در سراسر ایران به ترتیب در خواهند یافت که دولت جمهوری اسلامی قادر به پاسخگویی به نیازهای اساسی آنها نیست باید پیوند مستحکمی بین جنبش مقاومت خلق کرد و جنبش سراسری کارگران و زحمتکشان ایران برقرار نمود توده‌ها در سراسر ایران به تدریج در خواهند یافت که جنبش مقاومت خلق کرد عا دلانه و برحق است و این دولت جمهوری اسلامی است که جنگ راه زحمتکشان کردستان تحمیل نموده است. موضع گیری صحیح و اصولی نیروهای انقلابی در باره جنبش مقاومت خلق کرد تا اثبات بس مهمی در روند مبارزات ضد امپریالیستی توده‌های زحمتکش و طبقه کارگر میهنمان بر جای خواهد گذاشت. این امر تعهدات سنگینی بر دوش کلیه نیروهای انقلابی و مترقی از جمله سازمان ما قرار داده است بویژه آنکه با گرویدن جناح پورتون نیست مرکزیت سازمان "اکثریت" به خط و مشی حزب خائن توده جبهه پورتون نیستی‌های راست تلاش گسترده‌ای را برای تحریف مضمون اجتماعی و طبقاتی مبارزات عا دلانه خلق کرد و تبلیغ رفرمیسم و سازش طبقاتی آغاز کرده است. موضع ما در رابطه با جنبش مقاومت خلق کرد طی مقالاتی در شماره‌های ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - نشریه کار منتشر شده است. به نظر ما، "مبارزه و مقاومت خلق کرد مبارزه‌ای برحق و عا دلانه است و یکنه سیاست صحیح پرولتری در قبال مبارزات خلق کرد، دفاع از این مبارزات، شرکت فعالانه در آن، کشاندن توده‌ها به عرصه عمل انقلابی و سازماندهی این مبارزات و تبلیغ و ترویج دموکراتیسم پرولتاریائی در بین توده‌های زحمتکش خلق کرد است." (کار شماره ۶۷)

طابق مواضع اعلام شده سازمان در جنبش مقاومت خلق کرد شرکت نمود و برای هماهنگ نمودن فعالیت نیروهای هوا دار اقدام به تاسیس دفتری در شهر بوکان نمود ما هم وظیفه خود می‌دانیم به افشا (کمیت مرکزی) ایورتون نیست دست زده و با روشن کردن نقطه نظرات انحرافی آنان برای هوا داران و توده‌های میهنمان پر جم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در سترگ زحمتکشان همچنان برافراشته نگه داریم.

گسترده‌ها دیپوند جنبش مقاومت خلق کرد با جنبش سراسری طبقه کارگر
تا بود با دموکراتیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و یایگا هدا خلیش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - دفتر بوکان ۱۳۹۵/۵/۲۶

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر